

در صفحات دیگر می خوانید :

- جنبش دانش آموزی و مسائل دبیرستانها
 - تروریسم در مقابل جنبش توده ها
 - کردستان همچنان میرزد ...
- بیانیه ماموستا شیخ عزالدین حسینی
درباره اوضاع جاری کردستان
بیاد رفیق شهید " کاک احمد شعبانی

سه شنبه - ۲۸ بهمن ۵۹ - ۳۰ ریال

بیرد

۲۰

لگان سیاسی تبلیغی گروه کمونیستی نبرد

مجاهدین

به بورژوازی نزدیکتر می شوند!

پیرامون مصاحبه مجاهد با "قاسملو"

اخیرا مصاحبه ای توسط سازمان مجاهدین خلق با رهبری حـزب دمکرات کردستان (قاسملو) صورت گرفته است . این مصاحبه بویژه در شرایط و اوضاع حاد بحرانی کنونی جامعه ما و سمبلیک بقیه در صفحه ۹

اوضاع بحرانی را دریابیم!

پوست و گوشت و استخوان خودخیانت و دشمنی این جمهوری را بر علیه خود بیشتر و بیشتر احساس و درک مینمایند . روزی نیست که این جمهوری فشارهای سیاسی - اقتصادی - فرهنگی خود را برگرداند زحمتکشان و روشنفکران وابسته بدانان بیش از پیش گسترش نداده باشد . دیروز خبر از قطع و یا کاهش سود ویژه بقیه در صفحه ۲

هر روزی که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد یکقدم نه بلکه دهها قدم به زمان انفجار عظیم زحمتکشان ایران برای سرنگون ساختن این جمهوری ننگین نزدیک تر میشود . هر روز که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد توده های زحمتکش در کارخانه ها ، در روستاها و در سایر مراکز اجتماعی چه در گستره پراتیک خود بخودی خویش و چه با

مدنی و اتهام حجت به "پیشوا"

رشد بحرانهای اقتصادی - سیاسی و رشد مبارزه طبقاتی درون جامعه ما بیش از همه درکنار رژیم ضد انقلابی حاکم ، عوامل سرسپرده امپریالیسم را نیز به تکوین انداخته است تا بدنبال راه چاره مناسب حداکثر تلاش خود را بنمایند تلاش کنند که سدی در مقابل رشد جنبش توده ای فراهم آورده و حاکمیت رژیم ضد خلقی حاکم و به تبع آن منافع امپریالیسم جهانی در ایران را بر عتی بیشتر تداوم بخشند از اینروست که بقیه در صفحه ۸

زمین خواری شرعی جمهوری اسلامی

پس از قیام بهمن ماه ۵۷ بدلا - یلی چند و از جمله :
۱ - اینکه زحمتکشان روستا ، در طی جنبشهای انقلابی که در جامعه جریان داشت ، چشم انداز دستیابی بقیه در صفحه ۷

در منطقه خلیج فارس چه می گذرد!

آتش نشان مبارزات خلقهای زحمتکش منطقه که در نقاط حساسی چون ایران و فلسطین اشغال شده شعله ور شده است امپریالیستها را بیش از گذشته بر قاپست بقیه در صفحه ۱۱

یاد شهیدان خلق ترکمن گرامی باد!

در صفحه ۱۲

خلق در مذبذغ ضد خلق

در صفحه ۱۳

مبارزه قانون مطلق

در صفحه ۱۶

گزاران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱

کارگران بودا امروز میخواستند پادشاه و عیدی آنان را که در واقع حاصل کار خودشان است و سرمایه داران به انواع حیل از آنان باز میستانند ، باز پس ندهند . اگر در روزهای اول انقلاب نمایندگان آگاه طبقه کارگر را در کارخانه ها مورد شناسایی و ضرب و شتم ، ترور و دستگیری و حبس قرار میدادند ، اکنون مدتهاست که علاوه بر تاکتیک فوق با تاسیس انجمنها و شوراهای اسلامی خود ساخته در کارخانه ها ، کارگران را بطور سیستماتیک و ادار بکار شدید و پهن نمودن هر چه بیشتر جیب سرمایه داران نموده و از طرف دیگر بصورت سازمان یافته دست به شناسایی ، اخراج ، سرکوب ، ضرب و شتم و دستگیری پیشروان طبقه میزنند . اگر تا دیروز دست و پای جمهوری اسلامی برای تحمیل انجمنها و شوراهای اسلامی ضد کارگری خود ساخته بر علیه کارگران و قطع حقوق و مزایای کارگران و وادار نمودن آنان به اضافه تولید بسته بود . ولی امروز بواسطه جنگ ارتجاعی بین بورژوازی ایران و عراق ، هم فشار سیاسی ، ترور ، اختناق و نابودی بقایای فضای دمکراتیک محصول قیام شدت یافته و هم بر شدت استثمار بسی افزوده گشته است .

عین همین فشار و اختناق سیاسی و تشدید استثمار اقتصادی در مورد دهقانان میانه حال و فقیر و سایر زحمتکشان شهری و نیروهای انقلابی صادق است . اگر تا دیروز بقول خودشان با مسلح نمودن فئودالها بجان دهقانان فقیر و رنج کشیده مان که سالیان متمادی است زیر فشار طاقت فرسای زندگی در حال نابودی هستند میافتادند ، ولی امروز دیگر احتیاجی به مسلح کردن فئودالها نیست ، بلکه " پاسداران اسلام " خود دست به کشتار و قتل دهقانان میزنند . اگر تا دیروز جمهوری اسلامی مجبور بود برای جلوگیری از آتش خشم انقلابی دهقانان میالشی را بعنوان وام در اختیار آنان گذارد امروز بواسطه جنگ خانمانسوز غیر عادلانه جمهوری اسلامی رژیم بعثی عراقی که باعث خالی شدن خزانه رژیم گردیده حتی همان مبلغ ناچیزی که بعنوان " کمک " داده میشد قطع گردیده . اگر تا دیروز برای منصرف کردن مبارزات دهقانان و خنثی نمودن ابتکارات انقلابی کمونیستها مجبور بودند که در ظاهر بابتکار (ج) اصلاحات ارضی داور بر تقسیم اراضی در مناطقی از کشور موافقت نمایند امروز بواسطه این جنگ ارتجاعی دو بورژوازی ایران و عراق ، حتی همین طرح هم که فرمی جهت حال اقتاری از دهقانان بود باز پس ستانده شد .

اما اگر از " حق " نگذریم یک سیاست رژیم از دیروز تا با امروز یعنی حتی بعد از وقوع جنگ بدون کمترین ضعفی و با کینه هر چه تمامتر با چرا درآمد . و این سیاست یکسان همانا سیاست کشتار و قتل عام مردم زحمتکش ، ملیتها ، و عناصر سازمانها و گروههای کمونیستی و دمکرات است .

اگرچه خمینی در روزهای اول جنگ و بعد از حمله وسیع و ناگهانی نیروهای هوایی ارتش ضد خلقی ایران با رژیم جنایتکار عراق و " پیروزی " متعاقب آن تمایل واقعی خود در " خفه " کردن انقلابیون ایران داشت ولی هنوز این فرصت را نیافته اند . کشتار وسیع

و همه جانبه کمونیستها و سایر دمکراتهای انقلابی تاکتیکی است که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی یک دم و یک نفس از آن غافل نیستند .

در هر صورت این سرنوشت محتوم و بدون بربرگر د بورژوازی متوسط ، خرده بورژوازی مرفه سنتی و هرنیروی خرده بورژوازی دیگری و از جمله نیروهاییکه حتی امروز علیرغم همه عقاید ضد انقلابی و تزلزلات خود در مجموع در صف انقلاب هستند ، میباشد که وقتی ببالا پرتاب شوند و ماشین دولتی را در اختیار خود در آورند در شرایط عدم رهبری کمونیستها و واقعی و حزب راستین طبقه کارگر ببا سازی و ترمیم سیستم سرمایه داری و وابسته در قلمرو صنعت ، کشاورزی ، بوروکراسی ، ارتش و ... برآیند . این دیگر کمونیستها نیستند که بگویند این جمهوری اسلامی وارث رژیم شاهنشاهی بدون شاه است که بجایش ولایت فقیه نشسته ، و در سیاستهای اقتصادی خود در صنعت و کشاورزی ، بوروکراسی ، ارتش ادامه دهنده همان سیاستهای محمدرضا شاه است و حتی در مواردی مثل سیاستهای تبلیغاتی و گسترش فرهنگ اسلامی آلوده به خرافات و توجیه کننده منافع استثمارگران ، استاد رژیم محمد رضا است . بلکه خودگردانندگان رژیم اکنون پس از دو سال در حاکمیت و قطعاً جهت فریب مردم و برای اینکه پایان حاکمیت خود را بتعمیق بیندازند زبان به اعتراف گشوده اند که " در زمینه کشاورزی و صنعت احتیاج ما به واردات روز بروز افزایش یافت " ، " در زمینه کشاورزی میزان وابستگی بیشتر شده است و در جهت استقلال اقتصادی قدمی برداشته نشده است " ، " انقلاب اسلامی ، ۱۸ / ۱۱ -

این دیگر کمونیستها و واقعی نیستند که چهره و لقبی را و تزویر و عوام فریبی از این جمهوری اسلامی سرمایه داران و همه دولتمردان آن اعم از خمینی ، بهشتی ، خامنه ای ، رفسنجانی ، بنی صدر ، بازرگان سحابی و ... و تمامی گانه لیسان و نوکران بورژوازی اعم از رویزیونیستها و حزب توده ای ، اکثریت میانه جهانی را ب مردم زحمتکش مینمایانند و میگفتند که روز بروز بیشتر از پیش جامعه در منجلا و وابستگی فرو میروند و امپریالیستها با ترمیم حلقه های گسسته شده زنجیر وابستگی ، حاکمیت ضربه خورده خود را بر سرنوشت ما مرحمت کرده و دست و پا و کمرمان را با راب انحصارات بین المللی مینهند بلکه اکنون مدتی است که به دلیل تشدید ترور و خفقان برجامعه و رشد سریع نرخ تورم و کمبود مایحتاج عمومی ، و نبود خدمات اولیه ، جیره بندی مواد غذایی ، کسر حقوق کارگران و کارمندان و قطع سود و مزایای آنان ، رشد بحران بیکاری و اعلام دولت داور بر عدم استخدام در ادارات و نبود برنامه و ... جان مردم بلب رسید ، و رژیم جمهوری اسلامی مجبور شده است باز برای اینکه برگردد مردم سوار گردد خود حقایقی را که کمونیستها واقعی از مهتها پیش میگفته اند ب مردم بگویند : امروز این گردانندگان رژیم هستند که زبان به اعتراف گشوده اند که :

" الف - میزان واردات گندم در سال ۵۸ نسبت



بسال ۵۷ افزایش یافته و در برابر مقدار خرید گندم از روستائیان از رقم حدود ۸۰۰ هزار تن به ۴۲۶ هزار تن کاهش یافته است .

" ب - در زمینه مرغداری نیز بهمین ترتیب است ... تاسف آور اینکه فروشنده عمده ذرت آمریکا و آرژانتین است که بعد از محاصره اقتصادی و بعد از جنگ تحمیلی چنان عرصه را بما تنگ کرده اند که در نتیجه این صنعت صدرصد وابسته مرغداری در شرف تعطیل شدن قرار گرفته است . "

" در زمینه دامداری نیز بهمین ترتیب است یعنی در اثر نرسیدن علوفه که باید از خارج کشور وارد کرد میزان تولید شیر به حدود یک سوم قبل از شروع جنگ تحمیلی کاهش یافته است ... "

" ملاحظه میشود که در زمینه کشاورزی میزان وابستگی بیشتر شده است "

" در اثر عوامل گوناگون منجمله نرسیدن مواد اولیه ، لوازم یدکی ، مسائل و مشکلات کارگری تولیدات داخلی رو به کاهش نهاد و ... ب واردات روی آوردیم "

(تمام نقل قولها از همان منبع)

قابل توجه است که امروز این ورشکستگی رژیم از زبان لیبرالها بیان میشود و این اعلام ورشکستگی بیشتر در سخنرانیهای بنی صدر و ارگان " لیبرالها " یعنی " انقلاب اسلامی " گفته شده است و این بیانتهایی بس عظیم است که امروز لیبرالها با برنامه و نقشه بپای تبلیغ آن میروند . اکنون اگرچه اکثر اهرمهای قدرت در قبضه حزب جمهوری اسلامی بوده ولی این از شارلاتان نیزم و خیانتکاری " لیبرالها " است که میخواهند عواقب ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی را از گردن خود خارج کرده و تمام آنرا بگردن حزب و بیندانند . در حالیکه آنها خود در قدرت سهم بودند و سهم هستند و باید خود بپای میز محاکمه کشیده شوند . مگر همین آقایان بنی صدر و قبل از او بازرگان نبودند که دستور کشتار خلق قهرمان کرد را صادر نمودند . مگر همین آقای بنی صدر نبود که بارتش ضد خلقی فرمان داد خانه بخانه ، کوچه بکوچه ، شهر بشهر جنبش انقلابی کرد را سرکوب کنید و تا اتمام کار پوتینها بتان را از پای بیرون نیاورید . مگر همین آقای بازرگان وزیرکشور و صباغیان نبودند که برای دوره ای پرچم سرکوب انقلاب در سراسر ایران و سرکوب و کشتار خلق کرد را بدست داشتند ؟ مگر همین آقای بنی صدر نبود که دستور انحلال شورا های انقلابی را صادر کرد و گفت " شورا بی شورا " و از جنایت فاشیستی جمهوری اسلامی نسبت به رهبران خلق ترکمن جانبداری کرد . مگر همین آقای بنی صدر نبود که بارها مکررا تبلیغ مینمود که ما باید بسمت وابستگی به کشورهای اروپایی و آمریکا - لیسیم و این برویم . مگر همین آقای بنی صدر نبود که بدفاع از مالکیت خصوصی سرمایه داران پرداخت . و ابتکار ترمیم سیستم بانکی کشور و استثمار از طریق سرمایه های بانکی را در دست گرفت . مگر همین آقای بنی صدر نبود که برای " والدهایم عزیزش " نامه نوشت و تقاضای حل مسئله " گروگانها " را نمود . مگر همین

آقای بنی صدر و لیبرالها نیستند که به بازسازی و ترمیم مستحکم ترین ستون نگهداری سیستم سرمایه داری و وابسته یعنی ارتش ضد خلقی شاهنشاهی و حتی ریختن آب تطهیر بروی فرماندهان جنایتکار آن مشغولند . مگر دولت موقت همین " لیبرالها " نبود که از هیچ خیانت و جنایتی نسبت به انقلاب کوتاهی ننمود ؟ و بالاخره اگر لیبرالها و شخص بنی صدر و بازرگان و اعوان و انصار آنان در قدرت سهم نیستند پس چگونه است که اکنون قریب چند ماه است که از عمر کابینه ارتجاعی رجایی میگذرد ولی هنوز بدلیل مخالفت " لیبرالها " و شخص بنی صدر رجایی نتوانسته است که ۳ نفر از مهمترین وزرایش را انتخاب نماید ؟

" لیبرالها " بسیار حيله گرند ! امروز

توده های زحمتکش ایران اعم از کارگران و دهقانان ملیتها ، اقشار زحمتکش شهری ، علیرغم همه تشنشات جمهوری اسلامی بدلیل وجود بحران ساختی و کسب آگاهی های سیاسی - اجتماعی در بستر پراتیک خود بخودی خویش و از آنجاییکه سرنیزه جمهوری را همه جا برگردن خود حس نموده اند و در پرتو آگاهی های انقلابی ، کمونیستها و سایر انقلابیون بیش از پیش ماهیت خائنه این جمهوری برایشان روشن شده است . بهمین دلائل شکاف عمیقی در راس هرم قدرت ایجاد گردیده است . هر یک از جناحهای حکومتی دیگری را مشغول این همه نابامانها و کثاندن مملکت بورژوازی و تشدید وابستگی و مهلکه سیاسی معرفی مینماید تا گلیم خود را از آب بیرون بکشند و چنین وانمود کنند که بردامان کبریایشان ننشسته گرد ! " لیبرالها " مدتهاست تبلیغ مینمایند که سلطه امپریالیستها ، بر استبداد اتکا مینماید و لذا خط حزب جمهوری اسلامی با استبداد سیاه خود خط امپریالیستهاست و نه خط امام . بنی صدر در انقلاب اسلامی ۱۱/۱۹ این مضمون را بازتر نموده و گفته است در انقلاب ایران (یعنی جمهوری اسلامی) دو خط وجود دارد که یکی " بر سازندگی تکیه دارد و میخواهد بیانگر و مظهر آن باشد " یعنی خط خودش و مجموع " لیبرالها " و دومی " جریانی که به تخریب و تسلیم تکیه دارد و بیانگر و مظهر آنست " یعنی حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر سردمداران حزب جمهوری اسلامی و " مکتبیون " نیز معتقدند :

" در این کشور دو طرز تفکر موجود است یکی تفکر خدایی مبتنی بر قرآن و رهنمود گرفته از امام امت که تعلیمات اسلام و حرفهای رهبر را قبول داشته و به آن عمل میکند (یعنی خودشان - نبرد) و دیگر تفکر ماده گرایی است این گروه مظهر حرکتی را با معیار مادی مینمهند (منظور " لیبرالها " است - نبرد) "

وروزی نیست که صفحات روزنامه جمهوری اسلامی و نطقها و خطابه های آنان مزین باین " افشاگری " نباشد که " لیبرالها " و " میانه روها " ، پایگاه امپریالیسم آمریکا هستند و آمریکا از قبل از قیام نیز خواهان انتقال مسالمت آمیز قیام بدست اینان بود و آنان پیرو خط امام نیستند .

اما در حقیقت هم در قضاوت حزب و هم در قضا



وت " لیبرالها " نسبت بانان دوقضاوت اصولی وجود دارد . اول اینکه همانطور که " لیبرالها " میگویند حزبون خود بولدوزرهای هستند که جاده ناهموار شده نفوذ امپریالیستها را هموار مینمایند ، صرفنظر از اینکه این ادعای " لیبرالها " چیزی جز نفسی رقیب و بعهدہ گرفتن مسئولیت نفوذ کامل و گسترده امپریالیستها بوسیله خودشان نیست اما از نظر برولتاریا استبداد برعلیه زحمتکشان به تحکیم نفوذ امپریالیستها منجر خواهد شد .

دوم اینکه همانطور که حزبون میگویند " لیبرالها " نیز خود پایگاه نفوذ وسلطه انحصارات امپریالیستی در میهنمان میباشد . آنها از هیچ کوششی برای سازش با امپریالیستها وترمیم سیستم سرمایه داری وابسته غافل نمیانند . اما هم " لیبرالها " و هم حزبون از یک نکته بسیار اصولی غافلند و آن اینکه بیجهت آنها همدیگر را متهم بقرار نگرفتن در خط امام می نمایند و در واقع هم حزبون و هم لیبرالها از پیروان ارتدکس و کاملاً پروپا قرص خط امام هستند . آن ها هر دو با اتفاق آقای خمینی در مجموع از یک خط پیروی مینمایند و آنهم خط حفظ وترمیم سیستم سرمایه داری وابسته و خط سازش با امپریالیستها در پوشش " اعتیاد مردم به شمارهای توخالی مثل اعتیاد مردم بمواد مخدر است " - انقلاب اسلامی ۷ بهمن نقل بمعنی - و خط کشتار فاشیستی زحمتکشان ایران و حاکمیت ترور ، خفقان ، شکنجه و دار برای کمونیستها و انقلابیون و دومین نکته ای که قابل ذکر است برخورد غیرمنصفانه حزبون با " لیبرالها " است ! این فقط جبهه وسیع " لیبرالها " اعم از بازگانها ، بختیارها ، سنجاب بی ها ، مقدم مراغه ای ها و ... نبودند که بانمایندگان امپریالیسم آمریکا توطئه میچیدند تا انقلاب را به بن بست بکشانند و کشانند بلکه همچنین این رهبران حزب جمهوری اسلامی مثل بهشتی ها و اردبیلی ها و خمینی بوسیله نماینده خود مطهری نیز بودند که بانمایندگان امپریالیستها بر روی میز مذاکره نشسته و از هیچ توطئه ای برای به بن بست کشاندن انقلاب خودداری ننمودند .

و اما وقتی صحبت از رشد آگاهیهای مردم و فرو ریختن سریع توهمات آنان و ایجاد شکاف در راس هرم قدرت و بیرون کشیدن کلیم هر یک از جناحها و ریختن آب تطهیر بر روی خیانتها ی خود و مقصر دانستن جناح رقیب در میان باشد . حتی " بنیانگذار جمهوری اسلامی " این شیخ خبیثه ای که خود را مافوق همه طبقات و مافیها قلمداد میکند چاره ای ندارد و قتیکه به سرکوب انقلاب و به بازسازی سیستم میپردازد ، کلیم خودش را از آب بیرون بکشد و همه " گناهان " را بگردن حزب جمهوری اسلامی و " لیبرالها " بیندازد . او نتنها همه مردم زحمتکش را " بازچه " خیانتهای خود قرار داده است بلکه حتی جناحهای حکومت را نیز " بازی " میدهد . یکروز بمر لیبرالها میزند یکروز بمر حزب جمهوری اسلامی میزند ، یکروز از بازگان و دولت او تمجید میکند و میگوید حیفا از اینهمه اقدامات انقلاب

بی که دولت بازگان موقت انجام داد ولی " تبلیغ " ننمود و روز دیگر میگوید انتخاب دولت موقت کسار اشتباهی بود و بازگان کارها را خراب کرد .

ویکروز هم متوجه میگردد مردم زحمتکش از دست حکومت جمهوری اسلامی به تنگ آمده اند فریاد بر میآورد که همین دولتیان نمیگذارند انقلاب ادامه پیدا کند اما کدام انقلاب ؟ پایین کشیدن عکس شاه در ادارات و تعویض کاغذهای اداری ملحق به عکس و آرم دوران شاهنشاهی !

خمینی این رجلی که نقش منحصر بفردی در بازنگه داشتن انقلاب و حفظ و تداوم توهم توده ها نسبت به جمهوری اسلامی بازی نمود ، در دوره جدید نیز نقش خود را کما فی السابق حفظ نمود " بازی " مردم زحمتکش ! و " بازی " جناحهای حکومت ! در همین هفته های اخیر از یکطرف در " پیام صلح " و در واقع در پیام ربا و تزویر گفت تمامی سازمانهای مسلح بیایند به نمایندگی این " پدر " گوش فرادهند و سلاح خود را تحویل دهند و ما هم بانان امان میدهیم - بگذریم از اینکه همین آقای خمینی از همان روزهای اول جنگ میخواست همه نیروهای انقلابی را " خفه " کند - و از طرف دیگر برعلیه هر دو جناح حکومت فریاد بر میکشید که اگر بخواهید به این روشهای خود ادامه دهید هر آنچه بشما داده ام پس میگیرم . انگار که روشهای آنان در جای دیگر غیر از حسینیه جماران و از مغز خود او سرچشمه میگرفته است . اما خمینی در " بازی " دادن زحمتکشان و جناحهای حکومت زرنگتر از آنست . او زحمتکشان را بازی میدهد تا با استثمار بورژوازی تن در دهند و حکومت سرمایه او را گردن نهند ولی جناحهای حکومت را بازی میدهد که هر دو بتوانند با هم کنار بیایند و حکومت سرمایه را ترمیم کنند و در عین حال هر جا که زحمتکشان فریادشان بلند شد خود او هم فریاد بر میآورد که منم در کنار مردم هر آنچه بشما - دولتیان - داده ام پس میگیرم ! اما همین آیت اللهی که اینقدر پاک و مقدس و زاهد معرفی شده آنقدر رباکار و مزور است که وقتی میبیند توده های زحمتکش خلق ما بدلیل نا آگاهی خود بدور بنی صدر حلقه زده اند او نیز از شدت حملات خود بر ضد بنی صدر کاسته و به تقویت او میپردازد - مرا - جمع کنید به پیام ۱۱ ماده ای خمینی -

خلاصه بازار مکاره ایست برای فریب مردم و غالب نمودن جنس خود . و در این میان " لیبرالها " و بنی صدر که ناظر انزوای بیش از حد حریف هستند تعرض را آغاز مینمایند " وسعت ، استقامت ، خود جوشی " نشور جدید بنی صدر تا از میان آنها سال را " سال استقامت " در برابر حزبون بنامد . سال استقامت " لیبرالها " آغاز دوره جدیدی است . اگر " لیبرالها " اکنون که از اینهمه نفوذ و قدرت اجتماعی برخوردارند برای قبضه کردن قدرت نجسند " فرادیر است " باید " پیش از اینکه دیر بشود ، وطنشان را از خطر خطر کنند . " و در همین دوره جدید است که ما از یکسو شاهد کوتاه آمدن حزب در برابر بنی صدر هستیم و از طرف دیگر زرمه کودتای بنی صدر از این طرف و آن





طرف شنیده میشود. بنظر مادر شرایط امروز بنفع منافع امپریالیستها و بورژوازی ایران نیست که بنی - صدرو جناح " لیبرالها " دست بکودتای نظامی بزنند چرا که سپاه پاسداران و کمیته های ارگان حزب آنقدر قدرت نظامی دارند که در مقابل کودتا ایستادگی نمایند و کار را بجایی برسانند که جریان امسور از دست هر دوی آنان خارج شود و انقلابیون بتوانند از این شرایط سود جویند.

نه، " لیبرالها " چنان حماقتی نخواهند کرد آنها همچنان به تقویت و گسترش نفوذ اجتماعی خود ادامه میدهند و از همین تاکتیک از یکطرف امام را با خود همراه خواهند کرد و از طرف دیگر کوشش خواهند نمود تا نیروهای سیاسی متزلزل را هر روز بیشتر به سوی خود بکشانند و سپس به قبضه قدرت دولتی خواهند پرداخت. این تاکتیک در عین حال مورد درخواست امپریالیستها نیز میباشد. بخشی از رویزیونیستها - سه جهانها - در این تاکتیک همراه " لیبرالها " و بنی - صدر میباشند. از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را بکار خواهد بست که جبران و رشکستگی اجتماعی خود را با قبضه کردن همه ارگانهای دولتی تلافی کند. حزب برای کسب وجهه اجتماعی سعی میکند اولاً حمایت خمینی را همراه داشته باشد ثانیاً شخصیتهای سیاسی ناشناخته و ناآلوده ای را در کابینه خود وارد نماید. در مورد خمینی همانطوریکه گفته شد خود خمینی همانگونه که بر توهم توده های ناآگاه سوار است خود تابع همین توهم بین دو جناح حکومتی است و امسور چون توده ها نسبت به بنی صدر و " لیبرالها " متوهم هستند و چشم انداز تقویت نفوذ اجتماعی بیشتر " لیبرالها " قابل ترسیم است. لذا احتمال کسب حمایت خمینی نسبت به حزب و یا حتی حالت بینابینی بچشم نمیخورد. اما در مورد ورود عناصر ناآلوده بکابینه آنها، بعید بنظر نمیرسد. ولی از این تاکتیکها طرفی برنخواهند بست هر چند که در این راه حزب توده و " اکثریست " حلقه نوکری آنان را بگوش داشته باشند و هر چند که عناصر یا جریاناتی در درون حزب به سوسیال امپریالیسم شوروی و بلوک شرق گرایش داشته باشند. در این صورت وظائف کمونیستها چیست؟

۱- وظائف تبلیغی: همانطور که گفته شد امروز هم خمینی و هم لیبرالها و هم حزبییون میخواهند گناه این همه بحران سیاسی - اجتماعی را از دامن خود بزدایند و توده های مردم زحمتکش بخصوص نسبت به خمینی و " لیبرالها " متوهم هستند. کمونیستها وظیفه دارند نقوش خائنانه همه آنها و بخصوص خمینی و " لیبرالها " و شخص بنی صدر را افشا نمایند. کمونیستها ضمن افشای ماهیت خائنانه حزب جمهوری اسلامی در رابطه با مسائل

جاری و اساسی در ارتباط با همه سیاستهای ضد انقلابی گذشته آنها بایستی بخصوص نقاب از چهره " لیبرالها " و بویژه بنی صدر بردارند و مشارکت او را در اداره جمهوری اسلامی و " میثاقهای وحدت " او را با حزبییون در وحدت برای سرکوب انقلاب و خیانت به زحمتکشان نشان دهند. کمونیستها باید با تکیه بر ویژگیهای خمینی دایر بر وابسته نبودن کامل او به جناح " لیبرالها " و حزبییون و وابسته بودن کامل خمینی به برآیند نیروهای اجتماعی " لیبرالها " و حزبییون برآیندی که توهم توده های مردم زحمتکش بهر یک از جناحین تعیین کننده است با افشای ماهیت خائنانه او بپردازند. کمونیستها باید بخصوص با افشای دروغپردازیهای آگاهانه خمینی روی این عقاید عامیانه در مورد او که میگویند خود خمینی خوبست و اطرافیانش بد هستند، با مقایسه با همین قضاوت در مورد شاه، خط بطلان بکشند. بعبارت کامل - تر ما باید از تبلیغ ماهیت خائنانه هر یک از جناحین لزوم تبلیغ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را مطلق نظر قرار دهیم. شک نیست تبلیغ اگر بخواهد محتوای کامل مارکسیستی خود را با زیاده باید پاراز محسوسه نفی کهنه به جایگزینی نوار تقادهد. یعنی باید به تبلیغ برنامه خود در برخورد بمسائل مختلف اجتماعی بپردازد. اینجاست که کمبود اساسی جنبش کمونیستی و نبود برنامه کامل بچشم میخورد.

۲- وظائف ترویجی: تاریخ جنبش کمونیستی میهنمان در دوره ای که مادر آن بسر میبریم بطور اجتناب ناپذیری چنین رقم خورد که دنیایی از وظائف عملی همراه با یک سلسله کارهای سیاسی عمیق (کارتشوریک) در یک زمان با هم تلاقی نمودند و ما مجبوریم تاوان انحرافات گذشته را هم امروز که دهها وظیفه عملی هر روز در مقابلمان قرار میگیرد یکجا بپردازیم. بنا بر این ما باید در کنار کار تبلیغی بوظائف بس خطیر خود در انجام کارهای ترویجی نیز همت گماریم. این کار ترویجی باید شامل موارد زیر باشد.

الف - مبارزه ایدئولوژیک در راستای جمع بندی از انحرافات جنبش کمونیستی و جمع بندی از سازمانها و جریانات مختلف سیاسی.

ب - تکامل آگاهانه پیکان مبارزه ایدئولوژیک از روی مبانی سیاسی - اجتماعی بمبانی اقتصادی - اجتماعی یعنی جهت دادن ارزیابی از سیستم سرمایه داری وابسته از مقولات سیاسی بمقولات اقتصادی اجتماعی و بسیاری مقولات دیگر در همین قلمرو که تدوین می و برنامه کمونیستی مستلزم پاسخگویی بدانهاست و اصلاً روشن شدن خود همین ابهامات می و برنامه کمونیستی است. بالاخره اگر ما از تدوین می و برنامه کمونیستی صحبت میکنیم باید بیای تدوین همین مسائل



نابود باد سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم



اساسی انقلاب برویم . کمونیستها اگر هزار بار بگویند که ما باید قدرت سیاسی را کسب نمائیم ولی بیسای تدوین مشی و برنامه نروند برخوردشان از سطح مسائل فراتر نرفته است این معنی باید با تمام وجودمان و اندیشه مان عجین شود وگرنه فرض کنیم ما همین امروز قدرت را کسب کرده باشیم ، چکار می‌خواهیم بکنیم ؟ متاسفانه نشریات هیچ جریسان کمونیستی تا با امروز یک بحث مشخص اقتصادی - اجتماعی در هیچ زمینه ای بمیان نکشیده‌اند و این زنگ خطر است .

ج : تصفیه حساب با فلسفه های انحرافی قدیمی، خودمان و انواع دیگر فلسفه های بورژواشی و بطور مشخص مسئله مذهب .

۳ - وظایف عملی : امروز تدوین برنامه‌های برای طبقه کارگر و سپس جهت‌گیری بسوی طبقه و پیمک آزمایش نهادن همان برنامه بصورت وظایف مشخص و کنکرت و نیاز حیاتی جنبش کمونیستی درآمده است زیرا اگر تا همین چهار ماه پیش کسی جرات نفس کشیدن در کارخانه ها را بدلیل شروع جنگ و تبلیغات شونیستی رژیم نداشت اما امروز کارگران بآن درجه از رشد رسیده‌اند که در بعضی از کارخانه ها اعتراضات علنی و آشکار است رشد سریع اعتلای سیاسی و فشار شدید اقتصادی در کارخانه ها طنین مدای پای غول عظیمی است که رعه براندام این جمهوری میانگازد ، پیشو از این تحول برویم . هم با برنامه یعنی کار فکری و هم با جهت‌گیری عملی و شک نیست درکنار این وظیفه اساسی در مقابل پرولتاریا کمونیستها باید از همین زاویه دید با سایر زحمتکشان نیز در آمیزند .

۴ - وظایف تشکیلاتی : قبل از آنکه بذکر وظایف سازمانی جنبش کمونیستی در این شرایط خطیر بپردازیم باید بگوئیم که اگر چه جنبش کمونیستی از عقب ماندگی وظایف سازمانی خود نیز بطور دردناکی زجر میکشد ولی در عرض همین یک ماه اخیر ضربات مهمی (ولی هنوز نمیتوان گفت ضربات مهلکی) در عرصه عمل بآن انحرافات عمیقی که وجود داشته و حاکم نیز بوده یعنی طرح " تشکیل قطبهای سیاسی ایدئولوژیک " یا " سازمان واحد " وارد آمده است .

امروز وظیفه محوری و مرکزی کمونیستهای واقعی مبارزه ایدئولوژیک سازنده و رفیقانه روی مشی و برنامه برای تدارک ساختمان حزب کمونیست واقعی و نفی دیالکتیکی تمامی این " قطبها " و گروههای کمونیستی است و هر گونه وحدت تشکیلات در این مسیر یعنی روی مشی و برنامه ، و نه روی اصل قرار دادن امکانات و یا تشکل بزرگ و کمیت ، کمک بساختن حزب است . اکنون تمام سازمانها ، گروهها محافل و عناصر باید برای وصول بوحده مبارزه ایدئولوژیک وسیع و مهمتر از آن عمیق را تدارک ببینند ما خود نیز کوشش خواهیم نمود نظرات خود را روی وحدت جنبش کمونیستی و نقشه و طرح پیشبرد آن در

آینده بطور مشروح بیان نمائیم چراکه در این مرحله از رشد جنبش توده ای و شکاف عمیقی که در هیئت حاکمه وجود دارد از اهمیت درجه اولی برخوردار است که متاسفانه جنبش کمونیستی در مجموع بدان بهاء نمیدهد .

همچنین در شرایط مشخص امروز همانگونه که ما از ماهها پیش مطرح نمودیم تاکتیک وحدت عمل همه نیروهای کمونیستی و انقلابی باید اجرا گردد .

وحدت عمل روی مسائل مشخص روزمره و وحدت عمل در این با آن تاکتیک مرحله‌ای ، بر اساس " پلاتفرم مشخص " . معیار پلاتفرم مشخص نه از روی حرف بلکه در واقعیت عینی .

در تظاهرات ۲۲ دیماه و در تظاهرات ۲۲ بهمن ما از هیچ کوششی برای نقض معیار کمونیستی یعنی نفی وحدت عمل بر اساس پلاتفرم مشخص و جایگزین نمودن نیرو و بزرگی فروگذار نگردید .

بنظر ما وحدت عمل در مسائل روزمره و با اتخاذ تاکتیک مرحله‌ای مشترک روی بعضی از مسائل از روی پلاتفرمی معین برای افشاگری یا سازماندهی و هدایت مبارزات زحمتکشان - مثل رهبری و سازماندهی مبارزات کارگران و ملیتها - باید واقعا و نه آنگونه که بعضی از نیروها فقط در حرف - و آنهم فقط در بعضی شرایط - بدان معترفند در دستور جدی قرار گیرد .

در پیاده نمودن تاکتیکهای وحدت عمل با نیروهای کمونیستی اولاً باید از انجام تظاهرات علنی فقط به اتکا تشکیلات خود جدا خودداری نمود . چرا که این نوع برخورد یعنی رفتن به مصاف رژیم نه با اتکا به نیروی توده‌ها و قرار دادن تشکیلات خود در خدمت رهبری و سازماندهی آنها ، بلکه بصرف نیروی پایه خود یک تاکتیک جدا از توده چریکی است . درست مثل تظاهرات چریکی و جدا از توده ۲۲ دیماه و ۲۲ بهمن ماه (*) که سازمانها و گروههای کمونیستی تظاهرات نمودند و نه آنکه این تشکلات که عناصر آن از پیشروترین عناصر طبقه هستند در خدمت رهبری و سازماندهی تظاهرات مردم و در پیشاپیش آنان قرار گرفته باشد . ثانیاً همانطوریکه در مقالات پیشین گفتیم میتوان پای تظاهرات موضعی و مخفی برای افشاگری رفت ولی از انجام تظاهرات علنی جز در مواقع ضروری باید اجتناب نمود و جهت‌گیری و تاکتیک عمده و اساسی باید پیوند با زحمتکشان بخصوص کارگران در خدمت رهبری و سازماندهی مبارزات آنان باشد . اقشار زحمتکشی که هر روز به جهتی قشری از آنان از زور و ستم سیاسی و فشار بیش از حد اقتصادی رژیم دست به تظاهرات و تحمن و راهپیمایی میزنند .

قابل توجه است که مخالفت با تظاهرات علنی به عنوان یک تاکتیک عمومی و یا به اتکا اعضا و هواداران خود نباید به معنای مخالفت با تاکتیک تعرضی باشد ، بلکه به معنای مخالفت با تاکتیک جدا از توده چریکی است . چرا که تاکتیک تعرضی میتواند :

الف - بصورت تظاهرات مخفی و موضعی باشد تاکتیکی که ما پیش از همه نیروها به پای طرح و اجرای آن رفتیم .



گرفتن آن امتیازات تعجیل کند! و از آنجمله لایحه واگذاری زمین است که تحت فشار جنبشهای دهقانی شورای انقلاب مجبور شد بصورتی مشروط و محدود و موقت آن را به تصویب برساند. ولی اکنون بدستور شخص خمینی و قبل از آنکه به مرحله اجرا درآید متوقف گردیده است. باید گفت این جنگ فرصتی بود تا حقه های مزورانه و ارتجاعی رژیم را تحت عنوان برنامه "کشاورزی زمان جنگ" آشکار سازد و هر گونه نگرانی و تشویش مالکان را از بین ببرد. و ما برای روشنتر شدن نظراتمان نمونه هایی را ذیلا می آوریم:

دکتر بهشتی در یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی توقف واگذاری زمین مالکان را چنین اعلام کرد:

"در شرایط کنونی (شرایط جنگ) نظر امام این است که برای اجرای "بند الف" و "بند ب" تلاش کامل شود و در مورد اجرای "بند ج" هم نظر ایشان این است که با توجه به شرایط کنونی ما بیشتر نیروهایمان را فعلا متمرکز در "بند الف" و "بند ب" از این طرح بکنیم"

(جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۲)

بعبارت دیگر از آنجاییکه "بند ج" لغو مالکیت زمینداران بزرگ و تقسیم زمینهای کشاورزی در بین دهقانان است. میبایست در شرایط کنونی که شرایط جنگ است متوقف شود! و این توقف دیری نپاشد و سرانجام بطور رسمی از سوی "فقه های شورای نگهبان" (بهتر است بگوییم مجلس سنا شاه) آئین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی رد شد! در این رابطه اطلاعیه فقه های شورای نگهبان در روزنامه میزان ۱۵ بهمن ۵۹ چنین آمده است:

"با توجه به اصل چهار قانون اساسی و آئین نامه اجرایی قانون لغو مالکیت اراضی شهری در جلسه رسمی فقه های شورای نگهبان مطرح و از لحاظ انطباق با موازین شرعی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به تعریف آئین نامه مذکور که شامل اراضی با یر مسبق به احیا مثل اراضی زراعی و باغها نیز میشود و در بعضی موارد نیز استثنای شده که قیودی در آئین نامه اخذ شده غیرشرعی بنظر میرسد و خلاف قانون اساسی و غیرقابل اجرا تشخیص داده شد. و در ادامه آمده است:

"در مورد اموالی که ثابت شود از طریق غیر مشروع مثل اختلاس و ربا و عدم پرداخت وجوه شرعی فراهم شده است باید طبق محکمه اسلامی و قانون اساسی عمل شود."

یعنی طبق همان قانون اساسی که استعمار و مالکیت را مشروع و الهی می شمرد. مشاهده میکنیم که "فقه" و "قانون گزاران" جمهوری اسلامی برای تطهیر مالکیت و زمین خواری چگونه کوشش میکنند. چه و راست زدنهای هیات حاکمه در زمینه واگذاری اراضی زمینداران و سرانجام باز پس گرفتن آن یعنی لغو واگذاری اراضی زمینداران دقیقا نشاندهنده آنست که رژیم تنها تحت فشار از پایین (جنبشهای انقلابی دهقانان) ناگزیر گشته بود که امتیازاتی آنها فقط در کاغذ و نه در عمل

ب- تاکتیک تعرضی در حله اول باید در خدمت رهبری مبارزات اقشار زحمتکشان و برآورد مجموعه عوام مل و پارامترهایی باشد که فقط در موارد بسیار استثنایی و نادر امکان ایجاد تظاهرات علنی توده های را به رهبری ما و قرار گرفتن ما در پیشاپیش صفوف زحمتکشان میدهند.

اتفاقا حرکت در راستای این محتوا، یعنی حرکت در جهت پیوند با توده ها و سازماندهی و رهبری مبارزات آنها، خود بما کمک مینماید که با ارزیابی از پتانسیل و نیروی توده ها، دقیقا تعیین نماییم چه مواقعی میتوانیم اعلام تظاهرات علنی و آشکارنما- شیم و هم موجب میگردد که تاکتیک های سازمانها و گروه های م- ل از شکل چریکی خود خارج شده و در خدمت رهبری و سازماندهی مبارزات توده های زحمتکش قرار گیرند.

(*) در شماره های آینده نظرات خود را در مورد

تظاهرات ۲۲ بهمن ماه نیز ارائه خواهیم داد.

بقیه از صفحه ۱

۱- بی به حقوق دمکراتیک خود را میدیدند و انتظار روز بهتری را میکشیدند.

۲- شدت بحرانهای اقتصادی، خانه خرابی، بیشتری برای روستائیان فراهم نموده و فقر و فلاکت بیشتری را گریبانگیرشان میساخت.

موجب شد که روستائیان با اقدامات انقلابیشان زمینهای تحت تصرف زمینداران بزرگ را مصادره نمایند نمونه های تهاجم انقلابی زحمتکشان روستاهای کردستان، ترکمن صحرا، فارس و... بهترین نشانه های این خیزشهاست.

اما رژیم جمهوری اسلامی که بنا به ماهیت و خصلت طبقاتی اش در همان روزهای آغاز حیات خود در سرکوبی جنبش انقلابی و پایمال نمودن حقوق دمکراتیک توده ها از هیچ کوششی فروگذار نمیکرد. بسیاری طبیعی بود که هر چه زودتر در سرکوب این زحمتکشان و بیرون انداختن اینان از زمینها و بازگرداندن املاک به زمینداران دست به اقداماتی بزنند و دست به اقداماتی نظیر مسلح نمودن فئودالهای کردستان، سرکوب فاشیستی دهقانان کرد، و ترکمن و غیره نیز در ولی سطح بالای جنبش توده های مانع از این میگردید که جمهوری اسلامی در این اقدامات خائنه خود موفق باشد.

با وقوع جنگ ایران و عراق و ادامه آن که به تعمیق هرچه بیشتر بحران اقتصادی - اجتماعی انجام مید و ماهیت ارتجاعی هیئت حاکمه را بیش از پیش عریان ساخت، رژیم که در بعضی زمینه هایی که ذکر آن رفت و تحت فشار انقلابی توده ها و ادار به عقب نشینی و دادن امتیازاتی گردیده بود، اینک با بهره گیری از شرایط جنگی قصد آنرا دارد که در بازپس



به زارعین بدهد و همه این عقب نشینیها موقتی بوده و اصولاً نمیتواند در حلقه آن رشته پیوندی را که تک تک عملکردهای این رژیم را بهم متصل کرده و ناشی از ماهیت طبقاتی آنست، قرارگیرد.

این امر مانند روز روشن است ولی رویزیونیست های خائن توده ای کوشش دارند چنین عقب نشینیها پی را ناشی از ماهیت انقلابی و "ضدامپریالیستی" رژیم جمهوری اسلامی قلمداد کنند. و با دامن زدن به توهم توده ها در مقابل سیر و برشد انقلاب سدی ایجاد نمایند.

در این خصوص نیز روزنامه مردم اقدام به آوردن یک سری از نقل قولهای "فقهای خلقی" جمهوری اسلامی زده است که گویا کوشش میکنند مالکیتها را محدود کنند و براین واقعیت که اینان خود به مثابه نمایندگان سرمایه داری وابسته به شوروی در هم دستی با فقهای جمهوری اسلامی بمناب به حافظین سیستم سرمایه داری وابسته ایران اتحاد طبقاتی داشته و هر دو تا پای جان برای حفظ مناسبات متکی بر مالکیت خصوصی ستیزه میکنند، سرپوش بگذارند. و با هزار دوز و کلک سعی مینمایند عقب نشینیهای اجباری رژیم جلاد حاکم را عملکرد انقلابی آن بشمار آورند. زهی وقایع و بی شرمی که فاشیستهای قدرت طلب توده ای سعی در لباس اسلامی پوشاندن بقوانین سرمایه داری داشته و برای حفظ این سیستم کوشش دارند که توده های بیدار شده را با لباس شرعی پوشاندن به قانون مالکیت مجاب و راضی نگهدارند.

بقیه از صفحه ۱

مدنی این مزدور امپریالیسم هم به چاره جوئی پرداخته و همچون فاشیستهای هیتلری برای "پیشوای" خود نامه ای نگاشته است. در نگاه اول به نامه موبادیدی سطحی بداند چنین مینماید که گویا مدنی جناحی از هیئت حاکمه (جناح حزب یون) را هدف حمله خود قرار داده است ولی بررسی موشکافانه و عمیقتر نامه مذکور واقعیت آن را دقیقاً هویدا میکند. مدنی در پی حفظ منافع بورژوازی حاکم و امپریالیسم جهانی است و تنها رسالتش سرکوب انقلاب! و این امر آنچنان مهم و حیاتی است که ناگزیر از اعلام "اتمام حجت" است چرا که "خطر جدی" است و باید بدان جدی برخورد کرد.

چرا که بقول مدنی در خطاب به خمینی: "بنایی را که خودتان برافراشتید و به همست جناب عالی شکل و زیور گرفت، اینک بدست خویش اسباب فروریختنش را فراهم فرموده اید" و آن فروریختنی که مدنی ملت آنرا چنین تصویر میکنند "عوامل بینی امیه آنچنان عرصه را به ملست و پاره تنگ گرفته اند که مردم هوشیار انقلابی اینچنین، بلکه از اسلامی اینچنین بیزار شده اند آری مدنی خطرا بدرستی تشخیص میدهد و شدت آنرا نیز همین! و بنا براین در پی نجات طبقه حاکم از دره سقوط و نابودی است.

راه حل مدنی فاشیست این عامل سرکوب فاشیستی و خونین خلق عرب چیست؟

مدنی از جنگها حزب جمهوری اسلامی بسیار میگوید از چپا و لغارت اینان نیز سخن بسیار دارد ولی گمان میرسد که خود مخالفتی با آن دارد. مدنی بدنبال نظم فاشیستی بخشیدن بر این سرکوب است مدنی در واقع هرج و مرج در سرکوب را که دامگیر بخشی از قدرت حاکمه گشته است، بطوریکه حتی منجر به "جلائی وطن" ایشان نیز شده نمیبیند. او میگوید:

"مکتب که تنها تخریب نیست و خطی که فقط در سوی ویرانگری گام برنمیدارد، مکتب که تنها خشم و غضب نیست و خطی که فقط به ستیزه جویی و دژم گری نمیآغازد مکتب که تنها انتقام نیست و خطی که فقط به کینه توزی نمیشتابد. مکتب که تنها کشتن نیست و خطی که فقط به کشتار نمیبپردازد. مکتب که تنها دفع ورد نیست و خطی که فقط دور نمیکند و از خود نمیراند. مکتب که تنها در دورنچ نیست و خطی که فقط دردمندی و رنجوری را نمی آفریند" (تاکید از ماست)

آری مدنی مخالف ویرانگری، کشتن، کشتار مردم، دردورنج و فقر و فلاکت برای توده ها نیست و اصولاً آنها را رد نمیکند ولی بقول خودش فقط این کافی نیست چرا که "مکتب از انسان پدیدآورش حیات میگیرد و نشات میپذیرد انسانی که هرچه که بیشتر جمع اضداد باشد، والاتر است و برتر" و عبارت دیگر کشتار زحمتکشان آری ولی خشم بر جناح دیگر هیئت حاکمه هرگز! دردورنج و فلاکت و ویرانگری برای توده ها آری ولی طرد و راندن جناح دیگر هیئت حاکمه فدخلقی هرگز!

در واقع مدنی بدنبال "حد و حصری" برای "شهوت آدم کشی و جنون تخریب و دامنه حرص و آز این جماعت" منظور حزب جمهوری اسلامی است. تا دامن اینان را نگیرد! و مهمتر از آن اینکه از آنجاییکه این سرکوب پرهرج و مرج و بدون برنامه ناگزیر مانع از تمرکز ضدانقلاب و نتایج خیزش توده ها میگردد و ملتی که کار دبه استخوانش برسد "سرانجام" راهش را پیدا خواهد کرد. به همانگونه که تاکنون پیدانموده است و تاریخ گذشته و حالش بیانگر چنان احوال است "آری مدنی جلاد با تمام شم طبقاتش را بچه انقلاب را استشمام میکند بهمین دلیل برآشفته شده است. باید جنید و گر نه قیام دیگری سرنوشت جمهوری اسلامی را نیز روشن خواهد کرد همچنان که سرنوشت رژیم مزدور پهلوی را روشن کرد و بنا براین سرکوب را نیز باید بر طبق اصول کرد. سرکوب باید متمرکز علیه انقلاب باشد تا سرانجام به قول مدنی به "امنیت قفایسی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت کاری با امنیت زندگی و حکومت قانون مردمی" نائل آید.

آنچه مدنی مطالبش است حتی اگر مزورانه به آن حکومت قانون مردمی - کدام مردم آیا منظور از مردم جنایتکارانی چون مدنی هستند؟ - بنهد در واقع برقراری حکومت فاشیستی، امنیت فاشیستی، امنیت





بقیه از صفحه ۱

مشخص سازمان مجاهدین ، در مسیر سازش با ضدانقلاب حاکم در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است و بدین جهت میبایست با دقت بیش تری بدان برخورد شود .

نزدیک به دو سال است که جنبش ملی - طبقاتی خلق کرد با حدت هرچه بیشتر تداوم داشته است . دو سال مبارزه انقلابی زحمتکشان خلق کرد و با توجه به سیر پر نشیب و فراز این جنبش منجر به مشخص تر شدن صفوف انقلاب و ضدانقلاب در آنجا گشته است . اگر تا چندی پیش بسیاری از زحمتکشان خلق کرد ، ناآگاهانه و تنها با خواستی انقلابی در صفوف حزب دمکرات کردستان که اساسا با مشی ضد انقلابی نمایندگی بورژوازی کرد را می نمود قرار میگرفتند و به تبعیت از آن میپرداختند ، در طی دو سال مبارزه طبقاتی ، دو سال تجربه انقلابی و درک عمیقتر از مسائل انقلاب ، امروز در وسعتی قابل توجه از این حزب ضدانقلابی روی برتافتند و به صفوف جریانات دمکرات انقلابی و انقلابی کمونیستی و بویژه به صفوف کومه له روی میآورند . اگر در گذشته چهره حزب دمکرات کردستان برای جریانات متزلزلی چون سازمان مجاهدین شناخته شده نبود ، امروز پس از دو سال تجربه و بنمایش گذاردن سیاستهای اساسا ضدانقلابی و سازشکارانه اش با قدرت حاکم و در چهره ای عربانتر نمایش عمق خیانتهای آن در همکاری آشکار آن با رژیم فاشیستی بعث عراق در جریان جنگ اخیر ما هیت اساسا ضدانقلابی این حزب را کاملا عریان نموده است . ولی آیا باز هم جریاناتی متزلزل و سازشکار چون سازمان مجاهدین توانسته اند از اینهمه تجربه و واقعیتهای عریان درسهایی بنفع انقلاب بگیرند ؟ واقعیت سنگبری مشخص مجاهدین و نزدیکی آشکارش با حزب دمکرات درست عکس آنرا بمان نشان میدهد .

مجاهدین آنچه را که انجام میدهند در لوا و پوشش " دفاع از خلق کرد " انجام میدهند ولی در دفاع از منافع کدامین سو ؟ از منافع انقلاب یا از منافع ضد انقلاب ؟

همه میدانیم که امروز در کردستان نه صرفا یک مبارزه ملی بلکه مقدم بر آن یک مبارزه طبقاتی جریان دارد . مبارزه دهقانان تهیدست و زحمتکش کردستان و مبارزات کارگران کرد ما مقدم بر آنکه مبارزه ای جهت کسب حقوق ملی خلق کرد باشد ، مبارزه ایست در جهت تامین اساسیترین خواسته های طبقاتی خودشان در مقابل بورژوازی کرد نیز اگر در مبارزات ملی خلق کرد شرکت میکند . نه از جهت تامین منافع زحمتکشان بلکه فقط و فقط بدلیل تامین منافع استثمارگران خویشتن



کاری و زندگی برای سرمایه داران ، امنیت قضایی برای کلیه ضدانقلابیون و عوامل سرسپرده امپریالیسم امنیت سیاسی جهت نیروهای ضدانقلاب است و بس ! چرا که مدنی در تمامی زندگی ننکینش نشان داده است که تا چه حد علیه توده های انقلابی کینه توزانه ، خصمانه و در نهایت درجه جنایتکارانه برخورد مینماید .

کشتار کمونیستها و دمکراتهای انقلابی همواره شعار اساسی مدنی جلاد بوده است و آنرا الحق که در حد توان خود انجام داده است . کشتار زحمتکشان ، کارگران انقلابی همواره هدف مدنی مزدور بوده است و برآستی هم از آن کوتاهی و دریغ نورزیده . ولی چه کسی ؟ چه کسی قادر است چنین امنیت فاشیستی که همان امنیت دوران شاه جلاد است را در ایران تامین نماید . کسانی که بقول مدنی " آگاه ، کاردان ، قاطع و مومن باشند " به عبارت دیگر کسانی چون مدنی ، آگاه به منافع ضدانقلاب و امپریالیسم ، کاردان و متخصص در برنامه ریزی و پیشبرد آن جهت تحقق این منافع ، قاطع در سرکوب توده ها و مومن به طبقه بورژوازی !

البته مدنی با توجه به باقیمانده توهم توده ها نسبت به خمینی در عین اینکه خمینی را نیز در مسائل یاد شده سهیم دانسته و میگوید :

" بهر حال ، خواه بر چگونگی ها آگاه باشید و خواه بدانگونه که باید آگاه نباشید ، چون رهبری ملت با شما میباشد ، مسئولیت نیز به جناب عالی محول است و بر آنچه که میگردد نرسد خدا و ملت پاسخگو خواهید بود ."

ولی باز هم بدنبال آنست که با کشاندن خمینی به دفاع از جناح " لیبرالها " (جناح خودی) موضع این جناح را در حاکمیت مستحکمتر گرداند . و بدین دلیل خطاب به خمینی میگوید :

" حالا بیایید و تا نیم فرصتی باقی میباشد چنان عاقبت بخیری را برای خودتان فراهم فرمایید "

و بدین دلیل جهت راه حل " دست برداشتن " از حزب یون - شما را بخدا از چنین مردمی دست بردارید " - و بار دیگر بسوی کسانی چون مدنی که " از آغاز انقلاب ، با چنان جمعی میبودید " بازگردید !

آری جناح " لیبرالها " جهت تحکیم موقعیت رژیم جمهوری اسلامی در تکاپو هستند . در جهت سرکوب انقلاب ، کوشش میکنند ، موقعیت برتر خود را در قدرت حاکمه بوجود آورده و تشبیت کنند . ولی آیا امواج سرکش انقلاب مجال چنین امری را به بورژوازی حاکم خواهد داد ؟

توضیح : ***

تمام نقل قولهای داخل گیومه از نامه مدنی اتخاذ شده است .

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم !



است و درست بهمین دلیل است که در مقابل زحمتکشان زمانیکه اراده میکنند نه در زیر پرچم بورژوازی ، بلکه در زیر پرچم انقلابی و سرخ پرولتاریا راه نبرد تاریخ سازشان را به پیش ببرند دست اتحاد و سازش با هیئت حاکمه ضد خلق و دیگر رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی منطقه داده و بر علیه زحمتکشان توطئه میکنند و سرکوب میکنند و ... چرا که منافعتان در اساس با منافع بورژوازی حاکم و نه با زحمتکشان گرد پیوند خورده است . حزب دمکرات به مثابه نماینده بورژوازی ضد انقلابی گرد دقیقاً از این قوانین گریزنا پذیر مبارزه طبقاتی تبعیت میکند و در شرایط کنونی تنها بدانجایی پیش رفته است که حتی بروی رزمندگان انقلابی بی خلق کرد اسلحه میکشد و تهدیدشان میکند و ... و از سویی دیگر همچون همیشه بسوی مذاکره با رژیم حاکم و حتی همکاری با رژیم بعث عراق میشتابد . این امر به ویژه در شرایط حدت یابی مبارزه طبقاتی و بحران سیاسی در جامعه مان و بخصوص در شرایطی که جناحهای مختلف بورژوازی حاکم در مقابله با رشد انقلاب و جهت سرکوب آن و نیز در جهت تامین سرکردگی خود در قدرت حاکمه ، کوشش میکنند هر یک بلوکی فشرده از نیروهای ضد انقلاب و متزلزل و سازشکار تشکیل دهند حاشا اهمیت بسیاریست . از سویی رهبری " لیبرالها " و در صدر آنها " دفتر هماهنگی رئیس جمهور " به رهبری بنی - صدر کوشش در ایجاد بلوک فشرده ای متشکل از " لیبرالها " ، " رنجبرها " و مجاهدین و ... میکنند و از سویی دیگر بلوکی متشکل از جریاناتی چون حزب جمهوری و مجاهدین انقلاب اسلامی ، توده های فداییهای روسی و امت و ... است ! هر دو این بلوکها مرفه نظرات نیروهای شرکت کننده در آن حتی اگر نیت های خیری هم داشته باشند (؟) از آنجاییکه اساساً تحت رهبری نیروهای ضد انقلابی است ، ماهیتی اساساً ضد انقلابی داشته و هدف آن در اساس سرکوب انقلاب است ! و این امر که مجاهدین قادر به درک این واقعیت هستند یا خیر ، کوچکترین تغییری در ماهیت پدید آمده و کوچکترین توجیهی برای مجاهدین جهت تبرئه خود نمیباشد .

مجاهدین که قادر به درک از چگونگی رشد تضادها و در این میان مشخص نمودن تضاد انقلاب و ضد انقلاب نیستند با عمده کردن تضاد درون ضد انقلاب (اگر چه آنها در اساس ضد انقلاب نمیدانند) و بدلیل مشسی عمیقاً متزلزل و سازشکارانه حاکم بر سازمان که قبلاً بطور مشخص به توضیح آن پرداخته ایم ، در این صف بندی هر چه بیشتر بسوی جناح " لیبرالها " ی در قدرت کشیده شده و به نوبه خود به تحکیم بلوک کنونی یاری میرسانند . و صاحب کنونی وهم رایبی سازمان مجاهدین با حزب دمکرات دقیقاً در همین راستاست که از اهمیت ویژه برخوردار است . بعبارت دیگر این صاحب نه تنها از نظر متزلزل همیشگی سازمان مجاهدین در قبضه جنبش خلق کرد که همواره با جمله ای که هر دو طرف اشتباه میکنند (منظور زحمتکشان خلق کرد و رژیم ضد خلق حاکم) توجیه میگشت ، نتنها از نظر هم رایبی آشکار با حزب دمکرات ضد انقلاب که ناشی از عدم مرز بندی با ضد انقلاب و گرایش بسوی آنست ، و در عوض مرز بندی با

انقلابی تحت عنوان چپ رو که دقیقاً مرز بندی آنها با مشی انقلابی و دور شدن از پرولتاریا نمایان میسازد بلکه امروز بخصوص چنین صاحبهای تنها میتواند یاری رساندن به تشکیل و تحکیم بلوک ضد انقلابی به رهبری " بنی صدرها " معنی دهد . مجاهدین در تمامی مصاحبه خود با ارائه سئوالاتی جهت دار کوشش کرده اند تا آ ب تطهیر بروی حزب دمکرات بریزند . که گویا حزب دمکرات مخالف رژیم بعث عراق است ، که گویا از منافع زحمت کشان خلق کرد دفاع میکند . این مصاحبه در راستای تمامی ملاقاتهای رهبران حزب دمکرات و " لیبرالها " ی حاکم میباشد . ملاقاتی که بر مبنای پذیرش طرح شش ماده ای حزب دمکرات و سازش با رژیم حاکم و فرو نهادن اسلحه و صف آرایبی در مقابل انقلاب میباشد . درست بر این مبناست که سازمان مجاهدین خلق در مصاحبه اش از حزب دمکرات قول سازش و فرو نهادن اسلحه را میگیرد مجاهدین خلق هر چقدر هم بخواهند کوششهای خود را " دفاع از خلق کرد " قلمداد کنند ، در این واقعیت تغییری نمیدهند که در واقع به دفاع از ضد انقلاب و نه انقلاب برخاسته اند ! تمامی این کوششهای مجاهدین تقویت صفوف ضد انقلاب در مقابل جنبش انقلابی زحمتکشان ایران و در اینجا زحمتکشان کردستان است .

نیک میدانیم که مجاهدین معترض ما خواهند گشت که نیت شان خیر و ایجاد صلح و مصالحه جهت جلوگیری از کشتار بوده است و ... اگر مجاهدین سرکوب انقلاب را تنها در شکل نظامی آن در نظر میگیرند ما سازش با ضد انقلاب و شکست جنبش از طریق کشاندن آن به صلح و معاشات با بورژوازی ضد انقلاب را نیز سرکوب میدانیم اگر مجاهدین علیرغم تمامی های وهوی رهبری خود که ما نسل آتش و خون هستیم و ... خود را انقلابی نشان می دهند ولی در واقع با نفی ضرورت بکار بردن قهر انقلابی بی در مقابل قهر ضد انقلابی قدرت حاکمه مشی رفرمیستی را در مقابل مینهند و از این نظر از کشتار می هراسند . ما صریحاً اعلام میداریم جز بکار بردن قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی ضد خلق راهی برای پیروزی انقلاب متصور نیست . خلقهای انقلابی از کشتار نمیهراسند و مهمتر از آن با درک ماهیت ضد انقلابی بورژوازی حاکم میدانند که این بورژوازی در مقابل رشد انقلاب ناگزیر از کشتار است و هرگز نباید با ترس از کشتار از مبارزه عقب نشست و باز هم اگر مجاهدین راه پایان بخشیدن به کشتار را بزعم خود در مصالحه و سازش با ضد انقلاب میبینند . عمیقاً بر این اعتقاد هستیم که تنها راه پایان بخشیدن به کشتار ، پیشبرد انقلاب و پیروزی انقلاب است و سازش و معاشات با ضد انقلاب تنها به تداوم کشتار ، غارتگری ، استثمار و سرکوب می انجامد .

ما مجاهدین خلق هشدار میدهیم راهی را که در آن گام مینهند راهی است که اگر چه امروز با تزلزلات ، معاشات و گرایشات بسیار عمیق و تزیاید با بنسده شما نسبت به بورژوازی مشخص میشود این پرتگاه است که انتهای آن فقط منجلاب خیانت به خلق است

بقیه از صفحه ۱

با یکدیگر در این منطقه کشانده است. اکنون مدتهاست که خبر میرسد آمریکا یک دسته ۸۰ هزار نفری مخصوص تربیت نموده تا در مواقع بسیار بحرانی با یک حمله غافلگیرانه چاههای نفت منطقه ویا هر نقطه‌ای که آماج انقلاب قرار گرفته باشد با اشغال نظامی خود در آورند. بطور قطع این خبر در رابطه با استراتژی و تاکتیک امپریالیستها و حیات کشورهای امپریالیستی که وجودشان در غارت منابع خام کشورهای تحت سلطه معنی پیدا میکند، نمیتواند واقعی نباشد. در ادامه همه سیاستها و طرحهای نظامی امپریالیسم آمریکا و کشورهای امپریالیستی غربی از یکطرف و سوسیال امپریالیسم شوروی، یکمک کشورهای سرمایه داری بلوک شرق از طرف دیگر منتهی با حربه "کمک های مالی" - اقتصادی - نظامی روز بروز نفوذ خود را در منطقه گسترش میدهند.

امپریالیسم آمریکا از طریق کنفرانس طائف تلاشی را آغاز مینماید تا بلکه بتواند از یکطرف یکمک رژیم های مرتجع و دست نشانده خود مثل پاکستان و سعودی و شیخ نشینها و... آتش افروخته موجود در منطقه را خاموش یا مهار کند و از طرف دیگر مانع از توسعه نفوذ سوسیالیسم شوروی در منطقه گردند. وشک نیست که برای مهار کردن بحران اجتماعی موجود در آمریکا که با اعتراف رئیس جمهور آن کشور بی نظیر است. چاره دیگری جز تشدید رقابت وجود نخواهد داشت. وضعیت جنگ بین رژیمهای ایران و عراق اگر چه تا حدودی برای انحصارات امپریالیستی به جهت آب کردن محصولات زرادخانه های عظیم نظامیشان و وابسته شدن بیشتر این کشورها سود آور است اما در عین حال بدلیل قطع صدور نفت و مهمتر از آن بدلیل اشکالات و اوضاع آشفته ایران بر کشورهای منطقه موجب میگردد که امپریالیستهای آمریکایی احساس خطر بیشتری بکنند. بدین جهت میببینیم آمریکا با بهانه قرارداد دادن مسئله "گروگانها" و در واقع بدلیل اوضاع بی ثبات ایران و منطقه و امکان گسترش و توسعه نفوذ شوروی از این مجرا برای اولین بار ناوگان عظیمی مرکب از چندین ناو هواپیما بر اتمی، ناوشکن، ناوچه و... که تاکنون به ۴۴ فروند هواپیما بالغ گشته به منطقه خلیج فارس و دریای عمان گسیل می دارد. بالطبع این حرکت سیاسی - نظامی آمریکا حرکات سوسیالیسم شوروی و امپریالیستهای انگلیسی و فرانسوی را بدنبال داشته است. روسها مدتهاست که ۳۱ ناو جنگی را باین آبها روانه کرده اند و انگلیس و فرانسه هر یک با ۶ تا ۱۲ فروند ناو جنگی سعی در تثبیت حضور خود در این منطقه دارند. علاوه بر این ها امپریالیسم آمریکا میخواهد دو پایگاه هوایی در محرای

سینا بنامهای "ایتام" و "اتریون" و پایگاههایی در عربستان واردن بدست آورد. و نیز طبق قرار دادهایی که با کنیا و سومالی و عمان امضا نموده اند مبین تشدید و تقویت حضور سیاسی - نظامی آمریکا در منطقه است. منابع امپریالیستهای آمریکایی خودخبر داده اند که آمریکا قصد دارد در مقابل وام هنگفتی که به سومالی میدهد پایگاه نظامی "بربرا" را به دست آورد و ۱۰۰۰ میلیون دلار بودجه برای ساختمان آن در نظر گرفته اند. همچنین همین منابع خبر داده اند که امپریالیسم آمریکا میخواهد با صرف بودجه بسیار کلانی بمبلغ ۴۰۰ میلیون دلار در منطقه ای بنام "راس بناس" در مصر آنجا را بمركز و کانون اعزام و تربیت قوای نظامی خود در منطقه وسیع خلیج فارس و کشورهای کناره دریای عمان و غرب اقیانوس هند تا سواحل شرقی آفریقا و کشورهای حوزه دریای سرخ تبدیل نمایند. برای درک تشدید سیاستهای نظامیگری کافیه رقم ۱۰ میلیون دلار و ۴۰۰ میلیون دلار را در کنار ۲۸ میلیون دلاری قرار دهیم که آمریکا چند سال قبل این مبلغ را برای تاسیسات نظامی در جزیره "دیه گو کارسیا" در نظر گرفته بود و مدت های مدید بعضی از محافظان امپریالیستی در همان آمریکا با اختصاص دادن این مبلغ مخالفت میکردند.

تلاش سیاسی ای که امپریالیسم آمریکا و بورژوازی و سایر طبقات ارتجاعی در منطقه از طریق کنفرانس طائف دنبال نمودند، بایستی از زاویه ایزوله کردن کشور های مرتجعی نظیر سوریه که بسوی شوروی گرایش دارند و از همین کانال جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی نیز دید. زیرا هدفها بیکه این کنفرانس پیگیری نمود یکی مقابله با حضور نیروهای نظامی شوروی در افغانستان بود و دیگری خاتمه دادن جنگ بین رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق که میتواند مورد بهره برداری شوروی قرار گیرد و تاکنون نیز گرفته است.

اما چرا ایران در کنفرانس طائف شرکت ننمود جمهوری اسلامی میگوید بدلیل حضور صدام در این کنفرانس در آن شرکت ننمود. اما مشخصا از آنجا شیکه حزب جمهوری مدعی صدور انقلاب اسلامی بکشورهای منطقه است و از آنجا شیکه همین صدور انقلاب با وجود افشاگری های سطحی و توخالی آن که نمیتواند هم غیر از آن باشد موجب میگردد توده های زحمتکش منطقه حتی در همان شعارهای توخالی منافع طبقاتی خودشان را دنبال نماید و نتیجتا مخاطراتی برای رژیمهای ارتجاعی منطقه دارد و از آنجا شیکه در جنگ بین رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق این خاک ایران بود که تحت اشغال یک کشور مرتجع عربی قرار گرفته بود و از آنجا شیکه این کنفرانس ارتجاعی از سران کشورهای منطقه و عمدتاً دست نشانده و وابسته آمریکا بعمل آمده بود، رژیم



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

ایران را در انزوا قرار میداد و مانع از شرکت آن می شد. و نه آنگونه که خود میگویند بدلیل حضور صدام حسین در آنجا شرکت نمیکند. اگر چنین باشد پس چرا رژیم در کنفرانس کشورهای غیر متعهد شرکت مینماید در آنجا هم نماینده رژیم عراق شرکت دارد.

نتایجی که این کنفرانس وتشدید سیاستهای نظامی-گری آمریکا برای خلقهای منطقه دربردارد، اساسا به خاطر گسترش و حفظ نفوذ آمریکا وغارت هرچه افزونتر آنان و بدنبالش سرکوب شدید هرگونه حرکت انقلابی خلق است که با توجه به بحران د رونی کشورهای امپریالیستی و گسترش سیاستهای نظامی آنها احتمال دخالت نظامی آنان در کشورهای منطقه را نباید نادیده گرفت لذا خلقهای زحمتکش منطقه ضمن پیوند واتحاد و مبارزه خود و یارانانشان باید که متحداً بر علیه کشورهای ارتجاعی خود ونفوذ امپریالیستهای آمریکایی واروپایی وسوسیال امپریالیسم شوروی مبارزات خود را گسترش داده واجازه به امپریالیستها ندهند تا با ایجاد پا یگاه در موطن خود سایر برادرانشان هدف گلوله های امپریالیستها قرار دهند.

ابتدا با یورش به کردستان وترکمن صحرا با حاکمیت زحمتکشان به مقابله پرداخت. خلق ترکمن علیرغم نا-پیگیری رهبری س.ج. دوبار در برابر رژیم قهر-مانانه به مقابله پرداختند ولی با سازش رهبری خیا-نت پیشه س.ج. رژیم توانست شورا های واقعی دهقا-نان رادرم کوبیده وبارفرم ارضی ارتجاعی وشورا های فرمایشی مبارزانشان را برای مدتی سرکوب نماید.

به عکس رهبری خیانت پیشه سازمان چریکهای فدا-یی این چهارتن از رفقای س.ج. واز رهبران وبنیان-گذاران شورا های دهقانی یعنی یگانه تشکل حقیقی زحمتکشان ترکمن صحرا بودند زندگی آنان از ابتدا با رنج و درد مبارزه خلق ترکمن پیوندخورده بود و به راستی در قلب توده های دهقان جای داشتند.

شب ۱۹ بهمن حدود ساعت ۲/۵ آنها رادستگیر کرده و به تهران منتقل میکنند وپس از ۱۰ روز جد آنها بین راه گنبد - بجنورد زیر بلی پیدا میشود.

رژیم پس از ترور آنها از وحشت وخشم توده ها ادعا میکند که " طرفداران مسعود احمدزاده اینها را کشته اند و... "

براستی که روی شاه سفید! او هم مانند شما آتش زدن سینما رکس را به گردن انقلابیون افکنده بود س.ج. که در آن ایام چهار نعل بسوی با تلاق رویزیونیسم میبخت، با سازش با بنی صدر ورژیم مبارزات خلق ترکمن را به یک مناظره تلویزیونی با بنی صدر فروخت و بر روی خون این چهار تن وزحمتکشان ترکمن ضیافت صلح وآشتی با رژیم برگزار کرد. بزعم این خاشن بنی صدری که آنزمان گفته بود " ما خانه به خانه، سنگر به سنگر میکوبیم وتازه این ۱۰ در-صد قاطعیت ماست " خرده بورژوازی " بود ومیبایست با او " دوگانه " برخورد کرد از کارهای " خویش " که به نفع مردم است (معلوم نیست کدام کارها؟!) طرفدار و تحسین وتمجید و برای کارهای بدش ساکت بود این شیوه همه رویزیونیستهاست که برای حمایت از حاکمیت از این به اصطلاح تشویرها میبافند. در تلویزیون کشتگر ونگهدار از بنی صدر خواهش وتمنا داشتند که " قاتلان را پیدا کنید " و این فقط برای گمراه کردن اذهان توده ها! در حالیکه آگاهان میدانستند که قاتل بغل دستشان نشسته است.

اینان نتنها به بهانه " جلوگیری از درگیری " و در واقع بخاطر سازشکاری هیچگونه مراسم یادبودی برای این رفقا نگرفتند، بلکه حتی زمانیکه کمونیستهای راستین برای محکوم کردن کشتار انقلابیون وسرکوب خلق ترکمن دست به راهپیمایی زدند آنها محکوم و به نفع آمریکا دانستند (وگرنه چه درگیری بالاتر از حملات رژیم به خلق ترکمن وجنگ با آنان؟)

هماناکه به حق جایشان جز کاسه لیمی بورژوازی و نوکری در آستانش نیست؟!!

بنی صدر جلاد نیز همانند اکنون که سیاست به اصطلاح " دمکراسی طلبی " پیشه کرده، آن موقع اریک سو وعده پیدا کردن عاملین جنایت رهبران ترکمن (که خود وهمپالکیهای حزبیش بودند) را میداد واز دیگر سو دستور سرکوب خلقها را خانه بخانه وسنگر بسنگر، زهی وقاحت وبیشرمی!!!

یادشهیذان خلق ترکمن
از صفحه ۱ گرامی یاد

روز ۲۹ بهمن سالگرد شهادت شیرمحمد درخشنده توماج، عبیدالحکیم مختوم، طواق واحمدی، وحسین جرجانیسی چهارتن از رهبران خلق ترکمن است. اعدام این چهار رفیق گوشه کوچکی از جنایات بی شمار رژیم جمهوری اسلامی است. چه بسیار فرزندان راستین خلق قهرمان کرد، ترکمن وبلوچ و... که به مسلخ های توپ وتانک وفانتوم رژیم ضد خلقی رفته اند.

رژیم فکر میکند که باکشتار انقلابیون وسرکوب خلقها میتواند مبارزات حق طلبانه آنان را خاموش کند. زهی خیال باطل! مبارزات خلق قهرمان ایران نه تنها با توپ وتانک ومسلح سرکوب نمیشود بلکه هرروز فروزانتر میگردد ومیرود تا کار را با سرمایه داری وابسته ورژیم حامیش یکسره کند.

بیش از ۵۰ سال است که خلق ترکمن برای نابودی ستم طبقاتی وملی با رژیمهای ارتجاعی حاکم مبارزه کرده است. دردوران رضاخان مبارزات دهقانان ترکمن بر علیه فئودالیسم به شدت سرکوب شد. وپس از رفیرم ارضی ۴۱ که روابط سرمایه داری دردهات ترکمن صحرا به سرعت رشد کرد رژیم اندکی از زمینها را تقسیم کرده و بخشهای عظیم آنها سرمایه داران ووابستگان دربار ورخی خانها وفئودالهای ترکمن صاحب شدند.

ترکمن صحرا که تا سالهای ۵۶-۵۷ به ظاهر آرام به نظر میرسید، به همراه خلقهای سراسرایران بپا خاست وپس از قیام بهمن ماه اقدام به ایجاد شورا های دهقانی ومصادره املاک ووسایل تولید سرمایه داران وفئودالها کرد. رژیم ضد خلقی که حامی منافع سرمایه داران ومرتجعین وحافظ سیستم است از همان

جمهوری اسلامی را بما نشان دهد . این همه فقر و فلاکت ، دربدری ، آوارگی و از دست دادن خانه و کاشانه ۱/۵ میلیون نفر انسان و این همه ضایعات ناشی از جنگ بقیامت رفع خستگی خمینی و هیئت حاکمه ! اما لیبرالها و بنی صدر هم در زمانیکه در کشاکش این جنگ خانمان بر انداز برادران و خواهران همین آوارگان جنگ را درکردن ستان و دیگر نقاط کشور کشتار و ترور مینمایند . و در زمانیکه مقاصد شوم و خائسانه ای مثل تحکیم و تثبیت ارتش ضد خلقی را در همین جنگ دنبال مینمایند و در زمانیکه توده های نا آگاه را کوشش دم توپ مینمایند تا منافع آزمندانه بورژوازی ایران را تامین نمایند و در زمانیکه سیاستهای اقتصادی - اجتماعی خود بنی صدر چیزی جز بازسازی سیستم و سرکوب انقلاب نمیباشد و ... در این صورت پرواضح است که بنی صدر فقط و فقط بخاطر منافع آزمندانه بورژوازی ایران داور بر تحمیل زحمتکشان و کسب همه قدرت سیاسی سنگ آوارگان جنگ را بسینه میزند . اما دو کلمه ای هم از سیاست جناح دیگر حکومت یعنی جناح حزب جمهوری اسلامی که این همه سنگ " زهد ، تقوی ، خدا شناسی ، انسان دوستی ، اخلاق و ... " را بسینه میزنند بشنویم . ما در ارتباط مستقیم و نزدیک خود با آوارگان جنگ مشاهده نمودیم ، اولاً مسئولین و اداره کنندگان آوارگان که عمدتاً حزبییون هستند با نحاء مختلف مانع از تماس نزدیک مردم با آوارگان جنگ میشوند . حکومت سرمایه داری فعلی درست مثل اسلاف خود یعنی رژیم شاه مانع از ایجاد پیوند و همبستگی بین توده های زحمتکش و عناصر آگاه خلق و آوارگان میشوند . جمهوری اسلامی میترسد از اینکه توده های مردم از درد همدیگر آگاه گردند و روحیه همبستگی و دوستی بین مردم تقویت گردد .

در عین حال رژیم از اتخاذ این سیاست دو هدف دیگر نیز دارد . یکی اینکه میترسد مشاهده وضع دردناک آوارگان باعث گردد پسته های رژیم در مورد آوارگان روی آب بیفتد و مردم خود بماهیت دروغ پردازیهای آنان در مورد آوارگان واقف گردند . و دوم اینکه کمکهای نقدی و جنسی مردم را بدست خود با آوارگان میدهد تا بدین وسیله یک رابطه عاطفی و مشغول ذمگی بین آوارگان و خود بوجود آورد . ثانیاً وقتی آوارگان جنگ تا حدودی بماهیت سیاست خائسانه رژیم در همین جنگ نیز آگاهی یافتند و رژیم تا حدودی احساس نرسود که آوارگان در مقابل قرار دارند . آنها را بجان هم انداخت . رژیم جمهوری اسلامی این مظهر خیانت و انحطاط اخلاقی بکمک پسران و دختران پاسدار خود دست به حربه کشیفی در مقابل مردم زد . آنها برای اینکه آوارگان را بجان هم بیندازند و خودشان نقش میانجی و ریش سفید خیرخواه را بعهده گیرند ، چنین وانمودند که ما بحتاج مورد نیاز

اکنون پس از یکسال که از وقایع ترکمن صحرا و کشتار این چهار تن میگذرد مبارزه خلقهای سراسر میهنمان روبه اعتلاست . ج . اکثریت که اکنون " افتخار " نوکری مستقیم بورژوازی را بدست آورده به همراه توده ایها به هراس افتاده و سراسیمه به خاک پاشیدن در چشم توده ها و رودر رویی با نیروهای انقلاب بی میپردازند . بنی صدر با استفاده از ناراضیتهای مردم و سیاستهای سازشکارانه و دنباله روانه مجاهدین میخواهند رهبری جنبش توده ای را گرفته و آنرا به بیراهه کشاند . کشتار هزاران از این جانبازان خلق - با واسطگی فداییان اکثریت و سایر پابوسان رژیم - در نهایت نمیتواند خللی در مبارزه حق طلبان - خلقها بوجود آورد و ما شاهد مبارزه مسلحانه و غیر مسلحانه اخیر خلق ترکمن با رژیم میباشیم .

آری این چهار رفیق شهید شدند و شهادت آنها تنها عزم انقلابیون را برای مبارزه قویتر کرد همان طور که ارتجاع و حش زده از بیداری خلق ، خون شهرامها کاک فوادها ، ناهیدها و ... را بر زمین ریخت و لسی تنها درخت آزادی را سرسبز تر و بارورتر کرد . رژیم ضد خلقی فراموش کرده است که امروز با کشتار انقلابیون و خلقها باد میکارد و فردا در تداوم مبارزات آنان طوفان درو خواهد کرد !

خلق در مذبوح ضد خلق

اخیراً آقای بنی صدر گفته است که حزبییون حتی در کمک با آوارگان جنگ زده منافع سیاسی جناح خود را مدنظر قرار میدهند و بدین جهت اگر آوارگان جنگ زده طرفدار من باشند از کمک به آنان مضایقه بعمل میآید . همه مردم آگاه لااقل از دورا دور هم که شده باشند از وضع دربدری ، بی خانمانی ، بی غذایی و بی پوشاکی همه آوارگان جنگ و از هم پاشیدن شیرازه خانوادگی بسیاری از آنان با اطلاع هستند . اگر چه بقول یکی از رفقای گزارشگر ما باید وضع آوارگان را دید تا بتوان بعمق فلاکت آنها پی برد ولی بمصداق العاقل فی الاشاره نیز میتوان بعمق فاجعه دست یافت . اتفاقاً نحوه برخورد بهمین جمعیت عظیم آوارگان جنگ خود یکی از معیارهای مهم ارزیابی از جناحهای هیئت حاکمه است . همان طور که همه بخاطر داریم خمینی در سخنرانی معروفش در هفته اول جنگ ، وقوع جنگ را از جمله " بدلیل رفع خستگی " و " رفع سستی " و " خیر " میدانست . همین یک جمله کافی نیست تا ما بهیت ضد مردمی بنیانگذار

جنگ ، قحطی ، گرانی ، ارمغان جمهوری اسلامی



یک اردوی آوارگان را کمتر از حداقل مورد نیاز بطور ناگهانی در اختیار آوارگان قرار میدهند تا آنها را بجان یکدیگر بیاندازند. مثلاً یک اردوی ۵۰۰ خانواری حدود چهار صد عدد پتو میدهند و بدین وسیله حتی بهر خانواری نیز یک پتو نمیرسد و چون این پتوها را یک مرتبه در محوطه میریزند و آوارگان برای گرفتن آنها هجوم میآورند موجب میگردد که آنها بجان هم بیافتند آری تمام جناحهای هیئت حاکمه هم حزب جمهوری اسلامی وهم لیبرالها وهم رهبر هر دوی آنها یعنی خمینی مجبورند که خلق را این چنین در مقابل هم قرار دهند. اما سرانجام این خلق بیدار خواهد شد و آنها را از آریکه قدرت بزیار خواهد کشاند و آن زمانی است که ماهیت تمامی سیاستهای خائنه این جمهوری و اخلاقیات وزهد و تقوای دروغین سردمداران آنان برملا گردد. بر آوارگان است که دشمن اصلی خود را در هر قدم بشناسند بر آوارگان است از خود سؤال کنند آیا همین اقدام حکومتیان خود گویای دشمنی جمهوری اسلامی با آنان نیست؟! *

آنچه ذیلا می آید تنها گزارش یک نمونه از چنین ترورهایی است. ولی تروریسم محکوم است و رژیم ترور-یست محکوم به نابودی!

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲ (روز چهارشنبه) ساعت ۱۲ و پنج دقیقه، هنگام تعطیل شدن مدارس در خرم - آباد، یکی از دانش آموزان انقلابی را بنام بهرام کردستانی که از هواداران فعال مجاهدین بوده و قبلا مورد تهدید و شکنجه قرار گرفته بود، در پشت دبیرستان شریعتی مورد حمله افراد مزدور رژیم قرار گرفته که مزدوران میخواستند او را به داخل ماشین بکشند و دانش آموزان انقلابی مقاومت میکنند و پس از پرتاب خود از داخل ماشین بخارج، با کلت کالیبر ۴۵ به مغز و ران و سینه او شلیک میکنند. و جالب توجه است همان موقع ترور یکی دیگر از ماشینهای پاسداران در آنجا حاضر و جد نیمه جانش را در داخل ماشین میگذارند و با خود می برند به گفته شاهدان عینی که در مکان حادثه بودند اگر زودتر به بیمارستان رسانده میشد احتمال نجات وی از مرگ موجود بود و گفته میشود که در بین راه وی را با طناب خفه کرده اند.

صبح روز ۵۹/۱۱/۳ ساعت ۱۰ صبح جمعیت عظیمی به عنوان اعتراض به این عمل فاشیستی در جلوی بیمارستان دکتر اعظمی لرستان گرد می آیند تا با تشییع جنازه، نفرت و انزجار خود را از رژیم فئودالیستی جمهوری اسلامی ابراز دارند هنگام اجتماع در جلوی بیمارستان پاسداران با سلاح کمری و با لباس مبدل در جلوی بیمارستان تجمع کرده بودند تا شاید بتوانند در امر تظاهرات اخلاقی ایجاد نمایند. غافل از اینکه هر جا سیل خروشان توده های خشمناک بحرکت درآمده است، رژیم با تمام نیروهای خود تاب مقاومت را ندارد جمعیتی که حدود ۴ الی ۵ هزار نفر بودند با شعارهای " این سند جنایت ارتجاع " بطرف قبرستان دست به تظاهرات زدند شعارهای دیگر عبارت بود از " مجاهد شهید خلق ما، خون او مظهر پیکار ما "، " مرگ بر ارتجاع " و ...

رویزیونیستها این نوکران و سگان پاسبان بورژوازی از رشد آگاهی توده ها بوحشت افتاده و عمال خود را به میان تظاهرات فرستادند تا شاید بتوانند مسیر حرکت توده ها را منحرف نمایند ولی هیئات!

در این تظاهرات علیرغم سازشکاریهای مجاهدین، نیروهای انقلابی دمکرات و کمونیست توانستند تا حدودی شعارهای تظاهرات را رادیکالتر نمایند. تظاهرات با استقبال پرشکوه توده های مردم روبرو شده و تا قبرستان ادامه یافت ولی هنگام بازگشتن از قبرستان مزدوران رژیم به تظاهرات حمله کرده و با چاقو، چوب و سنگ تعدادی را مضروب مینمایند.

ترور دانش آموز مبارز بهرام کردستانی چندمین تروری است که توسط مزدوران رژیم در شهر خرم آباد صورت میگیرد. چندی پیش نیز دانش آموز دیگری بنام مرگان اسدی با رگبار گلوله های همین مزدوران به



تروریسم در مقابل جنبش توده ها

رژیم ترور و وحشت چه میبندارد؟ که با کشتار قتل عام، آدم ربایی و ترور انقلابیون و مبارزین قادر است شعله های مردم سرکش تر جنبش توده ها را خاموش کند؟! آیا تاریخ با همه عظمتش به این مرتجعین درس نداده است؟ و یا اصولا مرتجعین در تداوم حیات ننگین خود چاره ای بجز این ندارند؟

یکسال از آدم ربایی و ترور ۴ رهبر انقلابی خلق ترکمن میگذرد و خاطره آن علیرغم تمام کوششهایی که از جانب رویزیونیستهای فدایی در توجیه آن میگردد، هرگز از خاطر توده ها محو نشده است. بخصوص که این شیوه ترور و سرکوب انقلاب، با سبعیت تمام همچنان از جانب رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی دنبال میشود ترور انقلابیون در خرم آباد، ترور کمونیستها در تبریز ترورهای خیابانی متعدد در تهران و سایر شهرستانها امروز وسعت بیشتری یافته است. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که از رشد آگاهی توده ها هراس دارد و رشد این آگاهی را در جهت مرگ خویش میدانند سببانه و از روی استیصال درمدم است تا همچون تمامی مرتجعین تاریخ با ترور و روشنفکران انقلابی که حاملین آگاهی انقلابی بدون توده ها هستند و بویژه با ترور کمونیستها مانعی در مقابل رشد آگاهی توده ها و در مقابل رشد انقلاب به وجود آورد. زندانهای رژیم جمهوری اسلامی دیگر گنجا - نش روشنفکران و توده های آگاه و انقلابی را ندارد بنابراین این باید با ترور خیابانی آنها با برقراری جو ترور و وحشت مانعی در مقابل رشد انقلاب بوجود آورد.

می و امور تربیتی (امور امنیتی) از راه رسیده و با دادن شعارهایی به اوزالیدها حمله ور شده و آنها را باره کردند . در این هنگام دانش آموزان مبارز جمع شده و با شعار " عامل هر تشنج ، انجمن نورچشمی ، نورچشمی برو گمشو " و " فعالیت سیاسی حق مسلم ماست " " مرگ بر آمریکا " و ... به مقابله پرداختند و زد و خورد شدیدی بین دانش آموزان مبارز دبیرستان وفالانزها صورت گرفت و فالانزها کتک مطلق نوشجان کردند . بعد از زنگ تفریح فالانزها شروع به راهپیمایی کردند و دانش آموزان مبارز به سرکلاهما رفتند و شروع به افشاکری بین دانش آموزان کردند .

۱۵ بهمن

در این روز ساعت ۱۰ بار دیگر انجمن اسلامی حزبسی بطور وحشیانه به دانش آموزان حمله کرد که با مقاومت دانش آموزان مواجه شد .

فالانزهای مدرسه هرروز صبح توسط یکی از مزدوران سپاه آموزش کتک زدن میبینند و حتی برخی از دانش آموزان مساعد راه سپاه جلب میکنند .

مسائل دیگری که در حاشیه مسائل یادشده در دبیرستان البرز مشاهده میشود هم از اهمیت بسیاری برخوردار است و هم محدود به دبیرستان البرز نشده بلکه در تمامی دبیرستانها قابل بررسی است . این مسائل در واقع انعکاس مسائل عمومی سیاسی جامعه در سطح جنبش دانش آموزی ما میباشد .

اولین نکته قابل بررسی چنین است که اخیراً با توجه به اختلافات تزاید یا بنده درون جناحهای حاکمیت، انجمن اسلامی مدرسه نیز به دوگروه تجزیه شده است گروهی طرفدار حزب جمهوری اسلامی و گروهی دیگر طرفدار " بنی صدریها " . با توجه به ماهیت فداانقلابی و فداخلقی هر دو جناح ، این جناح بندی که کوچکترین تغییری در ماهیت پدیدده بوجود نیاورده است و علیرغم تضادهای درونی هر دو در کینه ورزی نسبت به دانش آموزان انقلابی مشترک میباشد .

نکته دیگر قابل بررسی مسئله هواداران سازمان مجاهدین است که به تبعیت از مشی رهبری که هرچه بیشتر به بورژوازی نزدیکتر شده و از نیروهای انقلابی بی گریزانند و از این جهت است که با بهانه های گوناگون و با توجیهاات گوناگون حاضر به همکاری با نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها نمیکردند . وظیفه دانش آموزان مبارز و انقلابی است که با افشای ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی هر دو جناح حاکمیت و بویژه " لیبرالها " که هنوز توهم بسیاری از توده های خلق ما را نسبت به خود بیدگ میکشند و با افشای مشی سازشکارانه سازمان مجاهدین خلق با بورژوازی " لیبرال " به بیخ توده های دانش آموزان بپردازند . هواداران مجاهدین باید بدانند که در اتحاد دوراه بیشتر نیست یاد در اتحاد با بورژوازی که نتیجه اش همدستی و هم رأی در سرکوب انقلاب است و با اتحاد با انقلابیون کمرب نیست که نتیجه آن شرکت در انقلاب و پیشبرد آن میباشد (۱)

شهادت رسیدند و متعاقب آن ، مزدوران بهنگام شب به خانه وی نیز با مسلسل حمله کرده اند .

علاوه بر این چندی قبل از این وقایع نیز مسلسل چپهای رژیم تعدادی از فعالین مدارس دخترانه طلعت دولتشاهی نوبنیاد ، صدیقه رضایی را شناسایی کرده و ۱۱ تن از دانش آموزان را ربوده اند و تاکنون اطلاعی از آنان در دست نیست . خانواده های آنان برای گرفتن خبری از فرزندان خود به شهرهای بروجرد و همدان مراجعت کرده اند ولی نتیجه ای نگرفته اند .

اینروزها در شهر خرم آباد جو ترور و وحشت از جانب رژیم حکومت میکند ولی آیا رژیم قادر است با چنین توطئه هایی شناخته شده حیات ننگین خود را ادامه دهد اگر رژیم شاه توانست پس رژیم جمهوری اسلامی هم قادر است!

جنبش دانش آموزی و مسائل دبیرستانها

ورزش صبحگاهی در مدارس که ابتکار دانش آموزان انقلابی و مبارز هوادار نیروهای کمونیستی و نیز دانش آموزان هوادار مجاهدین برگزار میگردد ، محملی است دیگر جهت گسترش مبارزات دانش آموزی بر علیه رژیم منفور جمهوری اسلامی!

این ورزشها نتنها به بسیج دانش آموزان انقلابی و مبارز یاری میرساند ، بلکه در تبلیغ شعارهای مبارزاتی در بین توده های وسیع دانش آموزان نقش با ارزشی دارد . از این جهت است که ارتجاع حاکم نیز با تمام قوا در سرکوب آن میکوشد . سازماندهی فالانزها در مدارس آنهم از طرف نمایندگان سپاه بگونه ای که دسته های چاقوکش رسمی در مدارس بوجود بیاورند . از جمله این کوششها میباشد . گزارش زیر نمونه ای از مبارزات دانش آموزان در این خصوص میباشد .

دبیرستان البرز : ۱۴ بهمن

دانش آموزان هوادار مجاهدین از ساعت ۴۵ و ۷ دقیقه صبح شروع به ورزش صبحگاهی نمودند . برخی از دانش آموزان چپ نیز در بین آنان بودند شعارهای دانش آموزان چنین بود " دانش آموز زندانی آزاد باید کرد " ، " زندانی سیاسی آزاد باید گردد " ، " استبداد اختناق ، ادامه راه شاه " و ... لازم به تذکر است که برخی از این شعارها بدلیل توقیف دوتن از هوا داران مجاهدین خلق داده میشد . در خاتمه دانش آموزان با خواندن سرود " ایران زمین " به ورزش پایان دادند .

صبح ساعت ۱۰ بهنگام زنگ تفریح دانش آموزان هوادار مجاهدین اوزالیدهای خود را بدیوار چسباندند و در این هنگام بود که فالانزهای طرفدار حزب جمهوری اسلام



شرکت ملی ذوب آهن ایران

در پی درخواست شماره ۵۰۲۲ مورخ ۱۳۵۹/۴/۳ شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان د اثر بر تقلیل گاد روزمزد ساختن موانعت میشود. بعد آدی از کارگرای روزمزد واحد ها و شرکت های تابعه واد نام شده شامل در طرح تجهیز و ساختن و امور اکتشافات با بهره برداری که مازاد بر احتیاج میباشد با توجه ماده ۲۳ قانون کار و شرایط پرسنل روزمزد با اخذ تعهد لازم بنحو زیر با ز خرید نمایند تا بدین وسیله شانلین مازاد بتوانند با امکاناتی بیشتر بکارگزارانی و شرایطی دیگر در شرکت بگردد البته تعهد لازم از افراد با ز خرید شده برترتیبی اخذ شود که پس از تسویه حساب هیچگونه ادعای دیگری نداشته باشند .

وزیر مشاور و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران

محمد آخوندزاده

سخننامه ای که مشاهده میگردد یک نمونه از سیاست عمومی رایج در روز مره جمهوری اسلامی در برخورد با کارگران است جمهوری اسلامی میگوید : چون در اینجا با کارگران ما - زاد بر احتیاج روبرو هستیم پس آنها را اخراج کنید و در ضمن طوری اخراج کنید که هیچگونه ادعای دیگری نداشته باشند " این یک نمونه از سیاست ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی " حامی مستضعفین " است . نمونه ای که در اشکال دیگر امروزه در تمامی کارخانه های ایران بر علیه کارگران اعمال میشود . امروزه موج عظیم سیاست ضد کارگری رژیم به صورت محدود کردن سود ویژه و پاداش و عیدی و اخراج کارگران به بهانه های مختلف و با ز خرید آنان بدون پرداخت همان میزان حقوق که برابر آئین نامه کار باید پرداخت گردد از سیاست های ضد کارگری عمومی جمهوری اسلامی است . کارگران باید بدانند تا زمانیکه دست اتحاد آنان و روشنفکران طبقه شان در همدیگر فشرده نگردد ، هرگز قادر نخواهند بود که در مقابل این سیاست های ضد کارگری رژیم سرمایه داری حاضر ، مقاومت و تعرض نمایند . این از سرشت همه رژیم های سرمایه داری است که نیروی کار را بکالا تبدیل نموده و هر زمان که بخواهند در معرض خرید و فروش بگذارند جمهوری اسلامی باید بداند که اگر کارگران در کارخانه استثمار شوند باز هم بر علیه آنان مبارزه میکنند تا نظام سرمایه داری را دگرگون کرده و تنها نظام طبقاتی خود یعنی سوسیالیسم را برقرار نمایند و اگر آنها را اخراج نمایند ، باز هم این مبارزه ادامه دارد . همه جا و هر زمان مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی تا سرنگونی آن و استقرار دمکراسی کارگران و زحمتکشان این است قانون مطلق حاکم بین کارگران و سرمایه داران !

بقیه از صفحه ۱۷

گان جنبش مقاومت خلق کرد مستحکمتر گردد .
۴ - سازمان های سیاسی کردستان باید جدا به دمکراسی که گرانبها ترین دست آورد جنبش

و خونبهای شهیدان خلق کرد است احترام بگذارند و نقض دمکراسی بهر طریق از قبیل تعرض بحریم آزادی های دمکراتیک و با تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی اشخاص بپرهیزند . اصل آزادی همه گونه فعالیت سیاسی در کردستان باید محترم شمرده شود و از منع فعالیت سیاسی سازمان های دیگر با اقدام به خلق سلاح آنان خودداری شود .

۵ - حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) و دیگر سازمان های سیاسی در کردستان باید اختلافات خود را از راه های سیاسی حل کنند و از هرگونه توسل به زور و برخورد های نظامی میان خود جدا خودداری ورزند . زیرا این کار به زیان جنبش مقاومت و مصالح توده های خلق کرد بوده و تنها بنفع نیروهای سرکوبگر خواهد بود .

۶ - توده های خلق کرد حق دارند که در رابطه با هر یک از سازمان های کردستان یا مستقل از آنان دست به تشکیل ارگان های صنفی و توده ای بزنند . کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهری و روستایی ، بازاریان ، زنان ، معلمان ، دانش آموزان ، و دانشجویان کردستان باید در کارگاه مزرعه ، مدرسه ، بازار و در هر جای شهر و روستای خود بتوانند از طریق تشکیل شوراها ، اتحادیه ها ، جمعیت ها و ... در امور مربوط به سرنوشت خویش فعالانه شرکت کنند .

۷ - خلق کرد و نیروهای انقلابی موظفند که فضای دمکراتیک کردستان را شکوفا تر و پربارتر کرده و در مقابل حرکت های ضد دمکراتیک ایستادگی کنند و از حقوق خود و دیگران و از حریم مقدس آزادی و دمکراسی کردستان دفاع نمایند ... "

بقیه از صفحه ۱۸

اخیر و اذیت و آزار مردم مبارزمه باد فعالانه دست داشته و مورد تفر شدید مردم بود. کشته شدن او با شور و هیجان زیادی در شهر مهاباد روبرو گردیده است. رضا خیری بزا در بزرگتر اکبر خبری که از جاشها و عوامل مهم رژیم در شهر مهاباد بود، از مدتی قبل بوسیله پیش-مرگان مادستگیر و زندانی گردیده است.

نبرد روز ۵۹/۱۰/۲۷ پیشمرگان کومه له از سری عملیاتی بود که بنام عملیات شهید احمد " بمدت ده روز در شهر مهاباد سازمان داده شده بود.

بقیه از صفحه ۱۸

عده زیادی بشهادت رسیده و یازخمی گردیده اند و خانه های بسیاری ویران و بسیاری از زحمتکشان این دهات در این سرمای زمستان آواره شده اند.

بقیه از صفحه ۱۸

آن بر میآمدند او مانند همیشه مصالح سازمان را بر منافع شخصی ترجیح داده و بدون تردید و تزلزل پاسخ داد: آری، من کومه له هستم و برای سازمانم کار میکنم.

جلادان جمهوری اسلامی از وی پرسیدند " بسیار خوب اطلاعات را بده و کسانی را که می شناسی معرفی کن " اما او در جواب گفت:

" من هیچکس دیگری را بجز احمد نمی شناسم " و باین ترتیب نشان داد که جز خودش هیچکس دیگری را به آنها نخواهد گفت. رفیق شهید شعبانی در زیر شدیدترین شکنجه ها حتی اسم حقیقی خود را بسزور نداد و خود را بنام احمد احمدی معرفی کرد و با همین نام بود که رادیو مهاباد و خبرنامه سپاه پاسداران با خوشحالی خبر دستگیری و اعدام این مبارز انقلابی را اعلام کردند.

مدت سه روز تمام او را بشدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه ها شکنجه کردند که تنها در خور دژ خیمان جمهوری اسلامی است شکنجه کردند، اما اراده اش را باندازه سرسوزنی هم نتوانستند مست کنند. لبهای رازدار او هرگز از هم نگشود. خنده های پیروزی اولیه را بر لبهای دژ خیمانش خشکانید. عمال ارتجاع جنازه اش را مخفیانه در گورستان شهر انداختند و در حالیکه تمام بدنش را از ضربات شکنجه کمبود و صورتش را سوزانیده و با بیست گلوله اعدامش نموده بودند، اما سرانجام او بود که اراده دشمنان طبقاتش را درهم شکست و آنها را زیوانه در برابر کوه استوار مقاومت خود بزانسو در آورد.

جلادان رژیم با ارتکاب این جنایات میخواهند مردم را از مقاومت و مبارزه انقلابی بر علیه خود باز دارند. زهی خیال باطل! هر گلوله آنها که سینه زحمتکشان کرد را میشکافد در دل هزاران زحمتکش این خلق رزمنده در بانی از غم و کینه جاری میسازد که سرانجام با اوجگیری مبارزات سراسری خلقهای ایران سرکوبگران ضد خلق را در خود غرق خواهد کرد.

● کمکهای مالی رسیده:
رفقای " فریاد زحمتکشان جنوب " ریال ۳۴۰۰۰

اصفهان

- ه - ۱۶ ریال ۵۰۰۰
- ع - ۱۸ ریال ۲۰۰۰
- ح - ۱۲ ریال ۲۰۰۰
- ص - ۱۴ ریال ۳۰۰۰

لاهیجان

- ک. م - ۵۰۰۰ ریال
- ک. د - ۲۳۰۰ ریال
- رشت
- ا - خ - ۱۳۰۰ ریال
- س - ه - ۵۰۰۰۰ ریال
- تهران

- ع - خ - ۲۰۰۰ ریال
- ک - ک - ۲۵۰۰ ریال
- م - م - ۶۰۰۰ ریال
- ح - خ - ۱۵۰۰ ریال
- ع - ۲۶ - ۵۰۰۰ ریال
- ش - ۴۵ - ۱۰۰۰۰ ریال
- ه - ۳۵ - ۸۰۰۰ ریال
- م - ۱۷ - ۱۰۰۰ ریال
- د - ۱۸ - ۱۰۰۰ ریال
- ت - ۱۲ - ۸۰۰۰ ریال
- ر - ۲۲ - ۲۰۰۰ ریال
- خ - ۲۱ - ۳۰۰۰ ریال
- ز - ۱۹ - ۴۰۰۰ ریال
- ط - ۰۸ - ۵۰۰۰ ریال

رفیق آ ۱۶۰۰۰۰ ریال کمکت رسید

کرده است با وجود این پشتیبانی آنان از جنبش مقاومت خلق کرد روز بروز بیشتر میشود علت آنست که مردم کردستان همه امید خود را به جنبش و سازمانهای سیاسی آن بسته اند

بنظر من اگر این سازمانها به مسئله چونگی اعمال حاکمیت برخورد صحیح داشته باشند باعث دلگرمی و امیدواری بیشتر مردم میشوند و اگر خدای نخواستہ بشیوه ای نادرست بآن برخورد کنند در مردم دل سردی و نومیدی ایجاد مینمایند بنابراین با توجه به شرایط فعلی پیشنهاد های خود را در مورد مسئله حاکمیت بصورت زیر اعلام میدارم:

- ۱ - سازمانهای سیاسی کردستان باید اصل خدشه ناپذیر حاکمیت خلق را در نظر داشته باشند و قدرت خود را مافوق مردم قرار ندهند.
- ۲ - امور اجرایی در شهر و روستا باید بدست ارگانهای اجرایی منتخب مردم سپرده شود. سازمانهای سیاسی در کردستان باید از این ارگان های پشتیبانی نمایند و ارگانهای مزبور باید اختیار داشته باشند در صورت لزوم برای اجرای تصمیمات خود از سازمانهای سیاسی کردستان یاری بخواهند.
- ۳ - کمکهای مردم به سازمانهای سیاسی باید داوطلبانه و بدون از هر گونه اجبار و اکراه باشد. تا مردم نسبت به جنبش بیش از پیش دلگرم و امیدوار بوده و پیوند میان آنان و پیشمرگان بقیه در صفحه ۱۶

کردستان همچنان می رزمند...

مهاباد

نقل از خبرنامه کومه له شماره ۱۰۹

۵۹/۱۰/۲۷ - ساعت ۲ بعد از ظهر چند نفر جاش و پاسدار در خیابان پهلوی سابق (نزدیکی گلانه سوره) بکمین پیشمرگان کومه له افتادند ، و در زیر باران گلوله های پیشمرگان سه پاسدار و جاش مورد اصابت قرار میگیرند که یکی از آنها کبر

خبری جاش معروف بود . پاسداران او را به بیمارستان شیروخورشید منتقل کردند ، اما دوام نیاورد و در آنجا بهلاکت میرسد . اکبر خبری در دستگیری و اعدام رفیق شهید احمد شعبانی نقش اصلی را بعهده داشت و علاوه بر این در خانه گردی های

روستای سرچنار بار دیگر گلوله باران شد...

۵۹/۱۰/۲۸ - بر اثر خمپاره باران و به توپ بستن روستای سرچنار توسط ارتشیان و پاسداران مستقر در میان دو آب یکنفر شهید و ۶ نفر زخمی گردیدند و خسارات مالی زیادی به اهالی این روستا وارد آمد . رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هر روز دهات اطراف میان دو آب را به توپ و خمپاره میبندد کس در نتیجه آن در روستاهای این منطقه بقیه در صفحه ۱۷

بقیه در صفحه ۱۷

بیانیه ماموستا شیخ عزالدین حسینی درباره اوضاع جاری کردستان ایران

بمناسبت سالگرد اعلام جمهوری خود مختار کردستان ماموستا شیخ عزالدین حسینی بیانیه مفصلی منتشر نموده است که حاوی نکات بسیار مهمی از نظریات ایشان در مورد مسائل جاری کردستان و ایران میباشد . این بیانیه با مقدمه ای از " دفتر سید عزالدین حسینی " منتشر گردیده است . ما طی چند شماره خبرنامه قسمتهائی از بیانیه را به آگاهیتان میرسانیم .

در قسمتی از بیانیه ما موستا نقطه نظرات و پیشنهادات خود را در مورد مساله حاکمیت در مناطق آزاد شده کردستان چنین خلاصه میکند :

" ... اکنون در کردستان ، اکثر شهر ها دوباره با شنال رژیم درآمده اند و حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی با ردیگر با عکس العمل انقلابی مردم روبرو شده است . زیرا این مردم دردوران زنده و پرجنب و جوش حضور پیشمرگان ، طعم شیرین آزادی و دمکراسی را چشیده اند و هرگز نمیتوانند حاکمیت سرکوبگران جمهوری اسلامی را تحمل کنند .

این واقعیات ما را بر آن میدارد که به مسئله چگونگی اعمال حاکمیت در مناطق آزاد شده کردستان توجه دقیقتری نشان دهیم و آنرا دست کسم نگبریم . اینک بعضی شهر ها و کلبه مناطقی روستائی کردستان فشار سنگینی را تحمل بقیه در صفحه ۱۷

پیدای رفیق شهید

کاک احمد شعبانی

روز سیزدهم دیماه ، سازمان مایکی از اعضاء و مسئولین بخش مخفی تشکیلات خود را در مهاباد از دست داد . در اینروز رفیق کاک " احمد شعبانی " بسنه جوخه اعدام جلادان رژیم جمهوری اسلامی سپرده شد و زندگی سراسر شور و مبارزه اش که آنرا بتمامی وقف امر طبقه کارگر کرده بود ، بخاموشی گرایید . شهید احمد شعبانی سه روز قبل از آن یعنی دردهم دیماه در شهر مهاباد توسط پاسداران و جاشها محاصره و دستگیر شد . از جیب او نامه هائی کشف شد که وابستگی تشکیلاتی او را کاملا محرز میساخت و شهید احمد موفق نشده بود هنگام محاصره و دستگیری آنها را سربه نیست نماید . او که سالها دردوران خفقان رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی با کار در شرایط مخفی آشنائی داشت ، میدانست که هنگام دستگیری بایستی از دادن هر گونه اطلاعات سیاسی و سازمانی و منجمله هویت تشکیلاتی خود بدشمن خودداری نماید . اما این بار که هویت تشکیلاتی او برای دشمن روشن شده بود و میدانست که وی را شکنجه و اعدام خواهد کرد ، تصمیم گرفت در عین حال که کومه له بودنش را همچون بتک سنگین بر مغز پاسداران جهل و سرمایه میکوبد ، داغ کسب هر گونه اطلاعات را نیز بسر دل دشمنانش بگذارد . این تصمیم دشواری بود که تنها مارکسیست - لنینیست های واقعی از عهده انجام بقیه در صفحه ۱۷

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر